



SULEYMAN
A

دستور العقاید

7

الاست

Süleymaniye Kütüphanesi	
Kısım	Aziz Efendi
Yeni Sayı No.	
Eski Sayı No.	183

183

بہ اہمام و تصدیق و حکم الی

کتاب حضرت الوالد

علیہ الرحمہ

سیر و خطہ



ب. 183

183



پژوهش‌های عقاید

x

بسم الله الرحمن الرحيم
 حمد و سباس و شکر زنی قیاس اول و ائمه عقول و کلام
 اولان خالق کائنات و رازق موجودات حضرت نربنک در
 کبریا و عظمت نربنک لایق و سزا و اولی و احری در که قلوب موسی
 انوار توفیق الهی ابد مزین و مجلی و عیون بصایر مسلمینی کل
 هدایت نامشای ابد مکمل و محلی ابدی و درود عظیم الورد
 اول سلطان سرابوستان سیادت و افتاب عالمات است
 سعادت و رستگاری صاحب مقام محمود و مصباح بزنگار
 وجود و مفتاح کنوز سخا و وجود اعنی کریم انبیا و رسل
 بدرقه روان سبیل رسول مجتبی حبیب خدام محمد مصطفی
 علیه افضل الصلوات و ائمه التیمات حضرت نربنک روح
 بر فتوح حربیه اولسون که نظام عالم و انتظام احوال نبی آدم
 انور و ک شریعت مظهر لری ابله پاک و قائم و ثابت و دائم
 و در فی کل ال روضت کالت و جوامع درج و لایب یعنی

نجوم زاهره برج هدایت اولان اصحاب عظام خصوصا
 کارسازان شریع مصطفوی و صاحب رازان طریق نبوی
 اولان چاررکن خانه دین مبین یعنی اشرف اصحاب نبویه
 و افضل زمره منقین و صدقین اولان چار بار کزین و نابعین
 بانگین هدایت اینه و صاحبان جاه دین و راه رباننده
 مجاهدین اولان ائمه مجتهدین و زربنده اولسون که هر یک
 حدائق دین مبینی عین الحیات شریعت چار بی اجر ائمه که
 سر سبز و سبزه ائمه که سعی بلوغ ائمه شکر در و مظهر کشف
 طیبیه اصلها ثابت و فرعها فی السما اولان دو حقه ملت کزین
 اوراق طریقت و ازهار معرفت و انوار حقیقت ابدی است
 ابدوب ارث و ارباب قلوب ائمه که چهره بیدریغ ائمه شکر در
 رضوان الله تعالی علیهم اجمعین و علی من تبعهم باحسان
 الی یوم الدین **باب بعد** بورد ساله اندک مقاله ائمه بیاننده
 در که حضرت رسول خدا سر دفتر انبیا پیغمبر محمد صلی الله علیه
 و سلم استنی طریق ضلالدن آگاه اولسون که چون بورد لر
 ستغفرق استنی ثلاثا و سبعین فرقه اثنتان و سبعون بالکله
 و واحد ناجیه بیورد فکری حدیث شریف ابله اشارت
 بیورد مشر بو حدیث شریفی بود او و ترمذی و ابن
 ماجه ابو هریره دن رضی الله عنه روایت ایدوب باخراج

ابمشرد یعنی ابوسره رضی الله عنه حضرت سرور انبیاد
 روایت ابدر که قال علیه السلام افتقرت اليه و علی احدی
 و سبعین فرقه و تعرفت النصارى علی اثنتین و سبعین
 فرقه و احدی ناجیه و الباقی بالکذ و استفرق امتی ثلاثا و سبعین
 فرقه بوردوغی حدیث شریفی بهیمنی حدیث حسن و صحیح
 بپورشلدر بونقد برجه بهود طائفه سیتمش بر فرقه اولو
 بر فرقه سی ناجی و بتمش اهل دوزخ اولسی و نصاری
 طائفه سیتمش یکی فرقه اولوب بر فرقه سی ناجی اولوب
 بتمش بر فرقه سی بلکه اولسی و دین اسلام بتمش اوج
 فرقه اولوب بتمش ایکسی بلکه اولوب بر فرقه ناجی اولوب
 بیان بپوروب سم الدین علی ما انا علیه و اصحابی بپور
 و دخی اصحابی کالجوم باهم افتدیم اهدیم بپوردوغی
 حدیث شریف اهل سنت و جماعت اچون بدر فرقه راه
 خداور حضرت سرور انبیاد ان الی هذا الان مذامب
 مختلفه و فرق ضاله و اهل بدعت و بونلر و کاصول
 و فروعی نه مفدار اولدوغنی قلیل اللفظ و کثیر المعنی
 اوزره جمع و ترجمه و ترتیب ایدوب بضاعت فرجاة
 قبیلندن و فرجه نجف و ضعفک حضرت سلیمان
 علیه السلام هدیسی منابه سندن بوفقیه حقیق و بی کس

واحدت ناجیه ص

یعنی درویش احمد و کبر اول فلک درگاه و کرسی بارگاه
 سر دفتر و زاردریای حلم و جبار و معدن جود و سخا یعنی
 حضرت پیرام پاشا پسر الله تعالی لما یخار و عابث
مشهوری وزیر کاروان پاک مشرب مشیر و مصلح و پاکیزه
 مذمب خداوند جهانک اهل رازی اناسی قولرینک
 سر فزاری نقوی دستی ایا مندر بسته جهان کشری
 کردن شکنه جوان بخت و دولت مرادی فی سبیل
 خدمت مشارالیه حضرت لربک اهل معارف اولان
 نظر شریفی جود معنی واحده خانی و کرم برانکه
 او نندوب بر فوری نام لری قالمندر و اخلاق حمیده
 نه قدر اهل معارف و ارایه بند درم خریده لری
 کبی مفتون اولوب بود عاجیلری دخی شرف وصول
 بساط بوسلر چون بوسله وسیله ایدوب خصوصاً
 بو علم عقلم اشرف علوم اولوب جمله نک اوزرینه
 اول بونک بمسی لازم اولمغین اخذی اسان او بچون
 ترکیب ترجمه ایدوب علی قدر الامکان بر مقدمه وید
 باب و بر خاتمه اوزره تخریر اولنوب بیان قلندی
 امید بودر که نهج استقامتدن وسیله صوابدن تجاوز
 اولنمیه انش الله تعالی بمنه و کرمه مقدمه شرف اسلام

و جهانک خبر خوانی
 حاصل بدعوض پادشاهی
 ارایرده بهمانه بخت صو

مشرف اولین فرق شنا بیاننده در باب اول معطله
 و همی مذهبی بیاننده در باب ثانی مشبه و کرامیلر مذهبی
 بیاننده در باب ثالث قدر بلر معتزلی مذهبی بیاننده در
 باب رابع جبر بلر و مجبلر مذهبی مذهبی بیاننده در باب خامس
 را قبضلر و شعبلر و زید بلر مذهبی بیاننده در باب شادس
 خارجلر و ناصبلر و حرور بلر مذهبی بیاننده در باب سابع
 اهل سنت و جماعت عقیده لری و مذهبی بیاننده در
 خاتم برینجه فوائد بیاننده در که جمله بوفرقه تک اجمال اوزره
 انکار لرینه جواب و بر ملشر مقدمه دین اسلامدن غیر
 نه قدر ملل مختلفه و مذامب باطله و اریه بو مقدمه
 اجمال اوزره بیان اولمشدر بونلر دخی بر فوج نوع اوزره
 در لر جمله سی بو مقدمه ده ابراد اولمشدر یعنی اصول
 و بیلر نده منکلم اولمشدر ایکی قسم اوزره در یعنی مشائون
 و اشراقیون در اول منکلم که جمله انبیایه افرار ایده حق تعالی
 کتابنه تصدیق ایده انلره منکلمین بملشر عین در لر بو بو تک
 خلافت منکلمین مخالفین و حکما دخی در لر و شول اهل
 ریاضت که ریاضت شافه صاحبیدر اگر انبیایه ایمان
 کنوروب و طرف حقدن منزل اولان کتابه افرار ایدوب
 و طریق مشائون برینه ارادت کنوروب ریاضت

صاحبی بو سوال اوزره اولورسه انلره صوفیه در لر و اگر بو تک
 خلاقی اوزره اولورسه انلر حکم اشراقیون در لر بونلرون
 بر بسی ملت اسلامه فریبدر و بری دخی مخالفدر ملت
 اسلامه مخالف اولان اون طائفه در بری دسره در
 ایکنجه اصحاب عناصر در او جنسی ثنویه در که انلره مجبور
 در لر بو طائفه ایکی اصله ذامب اولمشدر در برینه نور
 و برینه ظلمت دیوزعم ایدر لر نور دن مراد بزوان
 اوله و ظلمتدن مراد امر من در در لر و حضرت ابراهیم
 علیه السلام نبوتنه مقرر در و در دخی زرداشنه در که
 زرداشنت این بیورست حکیم اصحابی در و بری دخی
 کیومرثبه در که حضرت ادم علیه السلام کیومرث در در لر
 و بری دخی زورانیه در که زوران کبیر اصحابی در جمله نقوشی
 بو پیدا اینمشدر و بری دخی مزوکیه در که بو تک فساد ی قباد
 عصر نده ظهور ایدوب معلوم اولمشدر بونلر برینجه فرقه در
 ناسخه قائل اولمشدر و شرایع انبیایه منکر اولوب
 عقیده حکم ایدوب نفوس علویه بو عقولک اوزرینه
 فضائل فیض ایدر دیوزعم ایدر لر و بری دخی صابیه در
 مباحکله و ارباب سماویه و اصنام ارضیه به قائل اولوب
 انبیایه منکر لر در و بونلر دخی برینجه فرقه در و حکمت

دخی مانوئیه در که مانی حکیم اصحابیدر

ملطیه بونکر و کت مذمبندن منولدا اولمش رو کو اکب طابوب
 و صمندرینی کو اکب کلنده وضع ایدن اصحاب روحانیات
 بونکر و ندر و بری دخی حنفا در بونکر روحانیات قائلدر
 و روحانیاتک بعضیسنک وجودی بالقوه و بعضیسنک
 بالفعل در در لکر وجودی بالقوه اولان موجود بالفعل
 محاجدر در لکر و حضرت ابراهیم علیه السلام نبوت مقرر
 و بزوندرد بوزعم ایدر لکر و بونکر حوائف کامله در که اصحاب
 کاظم بن تارخدر و حو سجای و تعالی حضرت ادر بسی حضرت
 نوحی و حضرت ابراهیم علیه السلام شریعت بر جمع ایدر
 در تک کاظمک فولیدر و اصحاب بیدان که بیدان اصغر
 بوکر و همدندر عالم روحی هم اید نوک نبوت اقرار ایلوب
 نبوت اسرار الهیه دندر و تک بو بیدان فولندندر و قضا
 اصحاب فضا رین ارفخند در بوکر و همدندر و بو قضا حضرت
 نوح علیه السلام نبوت اقرار ایدر لکر و اصحاب هیاکل دخی
 صابیه فرقه سنندر و اصحاب هیاکل در لکر که شمش اله
 کل اله در در لکر و حرمانیه دخی صابیه بوکنندندر و در لکر که معبود
 بالذاب بر در و کو زکور دکی اشیا صده جو قدر در لکر و اشیا
 دید کلری مدبر ات سبدر که ارضیه حرثیه عالمه و فاضله
 دیکت حرمانیه فولندندر و بری دخی بود طائفه سی در

سدر
 طائفه
 بری دخی نصاری

و بر دخی اهل مندور بنه طا بوجیلدر در زعم فاسد لری بودر که
 کو با بونکر حضرت امدن مقدم وضع اولمشدر در لکر حکم
 عقلیه لری وار و زعم لری حاکم بنک اعظمی سدر
 بونکر ابعون احکام وضع ایلندر و بوندن اول میندر
 و همدندن اوکندن بر اسم در و بر اسم اصحاب بر ایدر که
 نبوت بشره اول انکار ایدن بر همدندر و برده بر همه دندر
 و برده ز یاد و عبادت کند اولوب لذات طبیعیه فی البلیه
 ترک ایدندر و در ریاضت نامه صاحبیدر و تناسخ اشیا
 و بونکر روحانیه و ناسوتیه و باسریه و اهل جیل اولان کابلیه
 اقسامندندر و ریاضیه فاعله اولان طبیبین طائفه سی
 ابراهیم دندر و بو طبیبین مجاهدین اید نفسی جسمیه
 مسلط ایدوب مجاهده سی مقدار بجه مواده او جاز ایلند
 و اهل مندور بجه کسنه انشه و بجه سی شمس و قره و نجوم
 و او تانه طهر لرا بمش العیده علی الراوی و بری دخی فلاسفه
 طائفه سی در که فلسفه صاحبیدر و فلسفه تک معنی سی
 محب الحکمه دیکدر فیلو محب دیکدر و سوفه حکمت دیکت
 اولور و حکمت دخی قولیه فعلیه در و حکماتک علم درت
 نوعدر بری طبیعیدر و بری مدبندر و بری ریاضیدر
 و بری الهیدر شول علمدر که مابیت اشبابی بلدر

اكا الهی در لر و شول علمه کبیهت اشبای بلدر را کا طبع
در لر و شول علم که مکبات اشبای بلدر را کار باضی در لر
الهیه به علم ما و طبع به علم کیف و ریاضیه به علم کم در لر
بوندر نصکر ارسطو علم منطقی وضع ایلمش در بالقوه
کلام قدما و زرا و طاعین قدما کلامی ترتیبی و زره اظهار
ایلمش در و فلاسفه مندون طبعیون و برامه نام
طائفیه در لر و بو طائفه نکت زیاده ریاضت لری و غیر
انبیایه بالکلیه انکار ایدر لر و فلاسفه عب و زربنه و خی اطلاق
اولنور و عب طائفه سنک حکمندی افکار و ملاحظه لری
راجعدر و انبیا به مفر لر در و علومه اضعض خلق
در لر و حکما و روم و خی فلاسفه دندر و بوندر بر نجه طائفه
و اس طبرز احکمه بوندر دندر و اقد ملر بدر و مت ثون و اصحاب
رواق و اصحاب ارسطو بوندر در و فلاسفه اسلام و خی بوندر
و حکما سبعة فلاسفه روم دندر فاما اس طبرز احکمه طایفه
یونانندن ظهور ایلمش در لر و حکما سبعة فلاسفه روم دندر
بوندر در که ذکر اولنور تالیس مطلی انگلس غورس
انگلس تالیس اثنا دقس فیثاطوزس سقراط افلاطون
و بوندر نصکر فلو طس بقراط و بقراطیس نساک در
و قدما دن حکما اصول بوندر دندر و سبیا به بوندر اچون

قول وار در و اسرار خواص و خیل و کیمیا و اسما و فعاله
و حروف بوندر کدر بوندر اچون نجه علم وار در که علوم منزه
و یونانیلر علمه موافق در و بو ذکر ابلد و کمز علوم بزوم کتابلر
موضوعندن و کدر انچون ذکر ی پجازا و زره اولوب
اطنابی ترک اولندی **باب اول** بو باب معطله فرقه سنک
عقبه سی بیاسده در بوندر اون ایکی فرقه اولوب بدعند
بر برینه موافقت ایلمش در اصول مذمب لری بوندر در که
ذکر اولنور زندیق فرامطی در لر **جهیم** مخلوقی لفظ
واقفی مرسی واردی قبری وزنی سیه حنی
فانی بوندر در بو اون ایکی فرقه نکت سر برینی تفصیل
اوزره اشتقاقی و بوندره ملحق اولان فروعی جمله بیان ایدم
ان شالله تعالی و به العون **معطله نک اول فرقه سه**
مذمب زندیق در بوندره انچون زندیق در لر که جمله کلامی
بر طریق ابد تکلم ایدر لر کندی لر دن غبری مکنه فهم ایلمز
لفظ زندیق اصلنده زر دشت حکیمت بیدا اید و کی بدعت
کتابک ادی زندایدی صکر فبا کسری زماننده مزدک
زندیق اظهار ایدوب فارسی لسانی اوزره زند و بدیدر
صکره تعریب ایدوب اخرینه قاف الحاق ایدوب زندیق
و جمعه زندیق و بدیدر بوندر و ک بدعتی بودر که بر کسری

صلی آخر مسند به دخی طلال اوله و جمله قبا بجلی کند و اینک
اختیاری ابد اولیه العباد با بد طرف حقن اوله حتی
فرامطه طائفه سی بود عت ابد مذنب نمشد در بو طائفه
بصره و کوفه و اول جانب کرده خلقت اکثری الحاد
وزندقه به انک سببی ابده و امب اولمش در و اول
دیاره بر مرتبه مسئولی اولد بلر که خلفاء عکس به بله مزبور
اخذ انتقامه قادر اولمش در حتی فرامطه برسند و اروپا
عرفانده حجاجی قتل و غارت ایدوب مکه مکرمه دن
حجر الاسودی جفاروب کو تورب کوفه ده بر مزبلیه بر
بکرمی درت سنه حجر الاسودانده قالدی آخر الام سلطان
طغرل بک سلجوقی بغداده کلوب مزبور فرامطه مستیصل
ایدوب حجر الاسودی بنه محله نقل ابد بلر بو نر حاشا تکلیفی
انکار و جمله پیغمبر لری انکار ایدوب حضرت ادم اوت کبی
بنر و اوت کبی هلاک اولور در لر و پیغمبر دید و کلری حاشا
بزم کبی امد در لر لر **حجت** اهل سنت بودر که چون بودنیا
قابل تغیر در و بر حال دن بر حاله دو و بخیر البتة بو بخیر
بودنیا بی بر حرکت بند و رچی وار در لر و پیغمبر کوندر
دخی حق سبحانه و تعالی حضرت بیک طرف دن مهمان
بنی ادم ایچون بنه بنی ادم کر کدر زیر ابی ادمک ملاکونی

کور که طافت کتور مز لر د بو جواب و بر بلور **معطله نیک**
ایچنی فرقه سی مذنب جهنم در بو نر جهنم بن صفوان
انبا عبدر مزبور جهنم نر مد و لا بتندن ایدی مذنب لری
بودر که عبدا ایچون اصلا قدرت بو قدر و علم الله حاد
و حق تعالی موجود در دیمک جائز دکلدر در لر و سلطان
اوزر بنه خروج اینک جائز در لر قضا و قدر ده جبره میل
ایمکله اهل سنت موافق در و روتی نفی ایلمکده و قرآن
مخلوق قدر دیکده مبالغه ایلمشد در مزبور جهنم مر و اینک
اوزر بنه خروج ایدوب مر و شهنه قتل اولمش در اعتقاد لری
بودر که الله تعالی بر وجهه و صفا اولمش جائز دکلدر عالم
د قادر و بنه و اگر موجود در و عالم در و قادر در و بنه
مخلوق صفتی ابد صفت نمش اولور در لر **حجت** اهل سنت
بودر که چون حق سبحانه و تعالی کتاب کر بمنده ذات پاکنی
بو وجهه و صفا ایدوب بیورر قوله تعالی هو الله الخالق
البارئ المصور یا بنچون و صفا ایدوب ما د اینمه در
مخلوق ابد انک نه نسبتی و او رک غلطه حمل اولن لروک
مسجود و معبود اولمش ذات پاکنک حالنک صفا
معطله نیک و **ایچنی فرقه سی** مذنب مخلوقی در بو نر
اعتقادی بودر که قرآن عظیمه مخلوق قدر در لر اندن اولور

بونه مخلوقی در بونکر که شهبلی بونده در که قولنا
انا جعلناه قرانا عربیا وجعل وخلق الیسی بل لغتده بر در
اندن او توری قرانه مخلوق در در **حجت** اهل سنت
بود که حق سبحانه و تعالی حضرت بیک کلامی بینه کند و لر
صفایب در و صفت خالق مخلوق صفتنه بکره مک محالدر
و حق تعالی حضرت بیک صفتی غیره صفات اولی و اولی بینه
وجعل بوند انزالدن عبارندر قولنا تعالی انا انزلناه فی لیل
القدر الایه بونکره جواب و بر بلور خطاری بونده در که قرانه
مخلوق در در **معتلک** در **دینی فرقی** مذیب لفظی در بونکر
اعتقادی بود که لفظ و ملفوظ بر در در مثلا قرأت ایدگی
اید قرأت اولان بر در در بینه کم خلق اید مخلوق بر در
اما بزم او فامز مخلوق دکلدر لفظم مخلوق اولما و غنی
کی در **حجت** اهل سنت بود که قرأت اولان قرأت
اید بیک صفتی در جون فاری محدث اولی محالدر
اوله مفروق کلام لیس در و صفت قدیمدر بینه قدیمدر محدث
اولی محالدر اولم **معتلک** **بشیخی فرقی**
مذیب واقفی در بونکر که اعتقادی بود که قرآن عظیم
ایچون نه مخلوق در برونه غیر مخلوق در در بینه
توقف ایدر در در زیرا ما بیند نیجه دلائل ابراد اولم

احتمالدر که برینه ذامب اولوب خطا اوزره اولمقدن
ایسه توقف اولی در در **حجت** اهل سنت بود که
رسول اکرم صلی لیس علیه وسلم بیور مشدر که کلام لیس
عزوجل غیر مخلوق و من قال مخلوقا فهو کافر بالیس العظیم
وامام اعظم حضرت لری بیور مشدر که بر کسند قرآن مخلوقدر
دیه اول کسند ضلالنده در و دخی واقفیلر انک کی
ضلالنده در بیور مشدر **معتلک** **الشیخی فرقی** مذیب
بونکر بینه غیبات مرسی انا عبیدر بینه اعتقادی بود که
کلام حق تعالی مخلوقدر دبو ما مون خلیفه زماننده شهرت بونکر
بود عیند خلیفه بی کندوبه و و ندر و بیا ایدندی و اهل
سنت و جماعتدن نیجه کسندی قرآن مخلوق دکلدر و بونکر
سیکنت ایدر دی عبد الغزالی بن یحیی بن ابی رواد الکنانی
انفع بینه اید بو خصوصه مباحنه عظیم ایدوب الزام
ایدی محصل کلام بشری بر او ایدر و با اهل سنت مذیبی
اشکاره اولدی و بونکر که مذیبی بود که حق سبحانه
حضرت بیک درت صفاتندن غیر بسی مخلوقدر در مثلا
مشیت و قدرت و علم و خلق بود دینه قدیمدر در
حجت اهل سنت بود که حدوث مخلوق لزومنددر
و صفیک حادث اولسی مخلوق صفتی کبیر بو خردان

با کف مضای کند و بجهت قیام در وقت بیدار او بیدار و کلدر که بر مضای
 قدیم اوله و بر مضاری حادث و مخلوق اوله حاشا و کلدر
معطلتک بر بنجی فرقی مذنب واروی در بونکر انجمن وارک
 در لکه داغ و رود در خبر و بر لر یعنی دخول جنت
 بونکر اعتقادی بود رک مؤمن انچون اصلا عذاب
 اوله و روز کبر منوایات و عید جمله کافر انچون مؤمنده
 بر وجه علاقی بود و روز خه کرن اب مخلص اولور غیر
 چقا زور لر **حجت** اهل سنت بود که قوله **تعالی** وان منکم
 الا واروا بها بونده و رود دخول و اخرایت بود که قوله **تعالی**
 ثم ننجی الذین انفقوا و نذر الظالمین فیها جنبا الایة و دخی
 خبر ده کلمه که بدی بیث بلدن صکره و دوزخیلر دوزخدن
 جفوب خلاص اولور لار و روایت اخیره دوزخدن احمد
 نامه بر کس نه جلدن صکره چقا و بشرح حسن بصری **حجت**
 علیه بومش که کاشکی اول دوزخه صکره خلاص اولور
 و لعد المعین **معطلتک بر بنجی فرقی** مذنب فبری
 بونکر انجمن فبری در لکه عذاب فبره منکر لر در سوال
 منکر و تکبر انجمن محال بلور لر در لکه ایکی دانه عظیم
 فرشته بیوک عمود لر ایله درت ارشون طوبراغک الشنه
 کبر و عذاب انجمن محال در لر و با خود بر کافر ی

خلاص اولان بن اوله ایتم زیرا
 مخبر صادق خبری ایله بکالیقین
 حاصل اولور دخی دوزخدن

قور دسه و با خود انشه با فسه لر و کولنی روز کار و بر سه لر
 انجمن عذاب و عقاب اولمق نیچه ممکن در لر و دخی در لکه
 موت ایکی در و حیات دخی ایکی در و حیاتک بر بسی اجل ایله
 منقطع اولور و حیات ثانی موت حشر ایله نتیجه بلور
 و بوزعم ابدر لر **حجت** اهل سنت بود که قوله **تعالی** و لنقضیم
 من العذاب الا ذنی دون العذاب الا کبر الایة عذاب او فی ذلک
 مراد عذاب قبر در و قوله **تعالی** سنعذبهم مرتین ثم بر دون
 الی عذاب عظیم اهل تفسیر بیور لر که بونکر انجمن فبری دوزخ
 شرع شریف قیام و بری دخی عذاب قبر در و عذاب عظیم
 جهنم عذابی در و ایکی حیات و ایکی حیات هم نابندر بر حیات
 دنیاره بزم حیات نور و بر حیات دخی فبره منکر و تکبر جواب
 در یکجمن در ی اولور و سوال منکر و تکبر خبر بسیار ایله ثابت
 اولمشدر سوال ابدر لر من ربک و من نلیک و ما دیکت
 اگر جواب با صواب هدایت اولنور جهنت قبول نندن
 فبریکه بر قبوک ده اوله و اگر خلا فی ظهور ابدر سه جهنم
 قبول نندن بر قبوا جلوب عقوبت اولنمق مقرر در که حضرت
 رسول علیه السلام بیور لر القبر روضه من رباض الجنة
 او حفرة من حفرة النيران **الحديث** و قور دسه و با خود انشه
 یا نوب کولنی روز کار بر با و ایسه دبر و کلری نه جواب بود

حق تعالی حضرت بنک قدر نندن مجید کلد که بر قطره موردار
سیندن صورت ان فی بوشکه خلق ایدر غباری جمع
ایلمکه عجز نمی وارد در حاشا بود **معدنیک طوری فرقی**
مذنب وزنی در بونله انجون وزنی در لر که عبد علی
وزن اولیسه انکار ایدوب محال بیلور لر و در لر که جمله
عبد ک علی عرضدر و عرض ایدر باقی دکلدر فانیدر
وفانی اولان نسه وزن ایلمک محال در لر و بو اعیلمک
مضار بنی علام الغیوب بیلور وزن و میزان نه اجتنابی
وارد که وزن ایلید و اگر در سکوز قران عظیمده زکر ایدری
اندن مراد لیدر تعالی بنک عدلی صفتی در دبو ناول ایدر لر
حجت اهل سنت بود که قوله تعالی و نضع الموازین القسط
لیوم القیامة ولا تظلم نفس شیئا فاما من ثقلت موازینه
و اما من خفت موازینه الایه بونکه جواب و بر بیلور و اگر در لر
اعمال عرضدر عرضی وزن ایلمک محال در دبو نوره حق تعالی
هر فولک عملنی اگر حسنه در و اگر سبه در جوهر سورنده ایدر
ایدوب قائم ایدر وزن ایلمک مراد ایسه بو منوال اوزره وزن
ایر قادر در قدر ننده محال بود **معدنیک طوری فرقی**
مذنب میلی در بونله انجون میلی در لر شفاعت مبله در لر
زیر اثبات میلی در میلی ایدر سابق دکلدر چون بابا او غلنده

بلغ

شفاعت ایلمکه قادر دکلدر غیری مکسه نجه شفاعت ایدر
بیلور حق تعالی کتا بنده بیورر که قوله تعالی یوم یفر المرء
من اخیه و قال تعالی فحاشا سما فلم یغنیبا عنهما من الله شیئا
الایه چون حضرت نوح و حضرت لوط علیهما السلام
خاتون لر بنک خیانت و معصیت لر چون شفاعت ایلیدر لر
غیر لر اچون نجه شفاعت ایلمک قابلدر در لر **حجت اهل**
سنت بود که قوله تعالی عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا
الایه بونله عامه مفسرین مقام محمود شفاعتدر بیورر مشرور
و بو محله دخی قران عظیم ایلیدر که من الذی یشفع عنده
الاباؤنه الایه نازل اولشدر و حضرت رسول علیه السلام
شفاعتی لاهل الکبائر من امتی بیورر لر و لقوله تعالی و لسوف
یعطیک ربک فترضی نفسک بیورر مشرور که بو ابیت
که بیده دن مراد حضرت رسول اکرم و بنی محترم حضرت بنک
شفاعتی عموم اوزره در دبو اتفاق اولمشدر و بو
جواب و بر بیلور **معدنیک طوری فرقی** مذنب حرفی
بونله انجون حرفی ویدیر که بونلر که اعتقاد لر
بودر که اهل نار اولنلر جمله بر بردن بانوب کول اولوب
غیری عذاب واضطراب کورمز لر در لر و بو ابیت کریمه
دلیل کتور و بنک ایدر لر قوله تعالی فان له جهنم

لا يموت فيها ولا يحيى الاية واول كسنة که دنیا وده بر کره
کفر سو بدی غیری سو یلمدی بو نوک اوز رینه اولدی بر که
بر بر صی باقه لر غیری با قملر بو بد اولنج جزا و وفا قا ایه
کریم سنک حقیقت معناسی حاصل اولور در لر **حجت**
اهل سنت بودر که قوله تعالی کما نصحت جلودم بدلناهم
جلودا غیر یا وقال الله تعالی لا یخفف عنهم العذاب وخی
بیور لر که فذوقوا فلن نزیدکم الا عذابا وابت لا یموت
فیها ولا یحیا ایت کریم سنک الله اعلم معنی در ر بار لر
بودر که اول اولوم دکدر که اولمکه فورته و اول زنده لک
دکدر حیانه بر راحت بوله مو من لازم اولان بودر که
مذنب منصور بین الخوف والرجا اوزره اولمق کر کدر
زیر ارمک سنک نیجه کنسی اولسه عفو ندن قطع
امید ایلمیه و نیجه حسنی اولسه خوفنی زیاده ایدوب
و عقاب ندن امین اولمیه **معطله نیک او نه ایکنی فرقه سی**
مذنب فانی در بونلر وک اعتقاد لر ی بودر که جنت
و جهنم بو ایکنسی فنا بو لور و یوق اولور در لر زیر امت
اولان عملک جزاسی دخی موقت اولمق کر کدر زیر
جنت و جهنم حادث در لر اگر جنت و جهنم ایچون
باقیدر دنیکور بی نهابه خدای متعال ایچون شریک کونور

11
اولور زیر باری تعالی دن غیری قدیم و باقی بو قدر
و در بک دخی لایق دکدر در لر **حجت** اهل سنت بودر که
قوله تعالی خالد بن فیها ابرا وقال تعالی وفا کینه کثرة
لا مقطوعة ولا ممنوعة الا به وقال تعالی اکلها دائم وقال
لا یبشیر فیها احقا با الیه مؤمن اولان بونک اوز رینه
اعتقاد ایدوب و عبادت دخی اینک کر کدر که حقه
واصل اولور و عبودیت بر مقابله سنده نعمت باقیه
نازل اولور و بونک خلا فیه اعتقاد ایلین یعنی کفره
و منکر بن انلر وک دخی عذاب عفو سنی باقی اولور دیو
اعتقاد ایدوبه **رز معطله نیک او نه ایکنی فرقه سی** ایچون تفصیل
اولنوب اهل سنت طرف ندن جواب با صواب و بر لندر
لکن بعضی کتب ده کور لندر که بو نیش ایکنی فرقه اهل
بدعت اولقدر کثرت اوزره اولندر که جمله فرو عکر
ایله یدیبور کسانه فرقه اولندر بو محله اختصار
اوزره معطله مذنبک فرو عندن بر مفدا ابراد
اولسنوکه راست کلد و کنده قنغی فرقدن اولدیغی معلوم
اولنه بو **اولنوز الی فرقه در که ذکر اولنور** و می ملترقی
بوسانی منکری محدثی محیطی عرشی قدس ناظری
ادراکی خلیفه زولی موضوعی جمودی رهبری

علمه قابض اصابعی سمعی بصری معراجی منقاد
وسواسی نفسی لاشبئی دجالی ثابتی باجوبی وصال
واحدی رسالتی هت می جوالتی منلی رباطی
مسیح معطله مذمبند اولنگردن بوقفیه بوقدایرندی
بیانی بواکنجی باب مشبه فرقه سنکناصولی بیانده
بونلردخی اون ابکی فرقه اوزرینه اولمشرد جمله بدعتی
متفکر در بونلردر که ذکر اولنور محسن حدی
حلوی شاکلی تارکی قوی والهی عدی
سابی سارقی بیهمی حنوی بونلروک دخی
عقبه لری و بدعتی بو محله تفضیل اوزره بیان
اولنور انش الله العزیز **محمد فرقه سنک مذمبی پاسده**
بو طائفه به اندن او توری مجسمه در لکه حق سببی و تقای
حضرت نبی جسمه شبیه ابدوب اعضا و جوارح اثبات
ایدلر و بونلر جسم اثبات بلکده از مشردر بوفره
معتزله فرقه سنک ضدیدر لر و بونلردن مقاتل ابن
سیمان دیشدر که الله تعالی صورتان اوزره دم
و کم در و اوزنذر و ایلو در و طعم و رایحه صاجی در
و کند و قاریشده بدی قارشر دبو اسناد ایدر لر
و پیغمبر علیه السلام بیورمشدر که ان الله خلق ادم علی

۱۲
حدیث شریفی دلیل کنوروب الله تعالی برات کجسی
و هر جمعه کجسی دنیا کوکنه نزول ایدر بوجوار حد دیو
اعتقاد ایدر لر تعالی ربنا عن ذلک علو البیر **حجت** اهل
سنت بودر که انلروک قولنی ردو ابلکه بوسوره کافیر
بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد
و لم یولد و لم یکن له کفوا احد بو مجسمه نک جسم اثبات
ایلمدی مخلوقدن عبارت اولمق لازم کلور زبراجسم
مخلوقدر اوبده اولنجه بر خالق دخی اولمق لازم کلور شرک
محض و مذمب باطلدر الله تعالی جسمدن و زکبیدن
و عضدن منزهدر و ایدر ایدر و کلری حدیث شریفک
سبب و رودی بودر که حضرتک زمان شریفلنده برکنه
بر اخر مکنتک بوزینه بر طلبانجه اورودی حضرت علیه السلام
اورن مکنتی منع ایدر و بیان الله خلق ادم علی صورته
بیورودی ضمیر بوند مضروبه راجدر الله تعالی راجع
دکلدر و دخی ضمیر حضرت ادمه راجع اولسی دخی بعیددر
زیرا حضرت ادم دفعه واحده خلق اولندی بو خلفت
حضرت ادمه مخصوصدر غیره دکلدر و بنی ادم ایه خلق
اولندوغی زمان مرتبه اول نقطه اندن مضغه الاخر الابه
بونون معلوم اولان بودر که ضمیر مضروبه راجعدر غیره

مشبهتك ابجني فرقه سی مذنب حدی بودله انچون حدی
در لکه الله تعالی ابجون حدوار در در لرجون عالم موجود
الله تعالی دخی موجود در البته ابکی موجود نیجه اولور عالم الله
تعالی بی احاطه اینک کر کرد و با خود الله تعالی عالمی احاطه
اینک کر کرد زیر عالم الله تعالی بی احاطه ابدیه محدود
اولمش اولور اوله اولجه مقهور اولور لکن الله تعالی عالمی
احاطه اینمش در در و بوابت ابد اثبات ابد لکه قوله تعالی
الرحمن علی العرش استوی بو استوی قولنی احاطه معانسه
الوب حد قوشلر در **حجت** اهل سنت بودر که اثبات حد و اثبات
او بیحق بر مقدر و بر مخصص و بر محدث و بر محدود اولوق
لازم کلور و بودلر و ک حد و فی سببی ایله بو اثبات یعنی بو حد
و محدود و بودلر و ملق لازم کلور حق سی نه و تعالی حضرت لیک
ذات پاک و صفات نابناکی نقصان قبول ایلر و وجود غیر
حاشا الله تعالی لیک ذات پاکنده مؤثر اوله نفوذ با الله
الرحمن علی العرش استوی حد معناسنه در دید و کلری حد
دلیل اولر مفسرین بوزمشلر در که عرش اعظم خلق است و
زمانه حرکت اوزره اولوب قرار ایلدی مادامکه لفظ
رحمن عرش اوزرینه نقش اولدی عرش برنده قرار ایلدی
دیگر بوزلر و دخی بوزلر که استوی استیلا معناسنه

اولوب عرش و ما فوفه و ارض و ما تحتها نه که وار ایسه
جله سی الله تعالی لیک نصر فنده در و بیک اوله بو خسه عرش
بقین و ارض بعید و بیک و کلدر محصل کلام برده و لو کده
و ما بیننده نه و وار ایسه جمله سنک و زرینه حاضر و ناظر
و کنونک نه ذات پاک مکنون و منزلدن منزهدر
مشبهتك ابجني فرقه سی مذنب حلوی در بودلر و ک
اعتقاد لری بودر که حق تعالی لیک ذات پاک حاشا نه بر
ایو صورت که کور رسون اگا حلول ایدوب کند و سنی اول
صورندن کوشتر مشلر و بوزعم ایدر لر و دخی در لکه
ان الله جمیل بحب الجال بیور مشلر جمالدن مراد کوزل
صورت در و اول صور نکرده بز الله تعالی لیک جمال
ایدر در **حجت** اهل سنت بودر که مذنب حلوی کفر محضدر
زیرا حلول انفضال اقتضا ایدر انفضال ابد صفات قدیم بر
نیجه جمع اولور اولر کلشن راز صاحبی بو محله نه کوزل بیور
مذنب حلوی در بر لبس کفر باطل کیم اول دار کوز لیلکدن
اولدی حاصل تعالی شانہ عما بقول الظر لمون علوا
کیم **مشبهتك ابجني فرقه سی** مذنب شاک و بودلر و ک اعتقاد
بودر که بر وجهه عاصیه عاصی و بیک جائز و کلدر و بر وجهه
مطبعه مطیع و بیک نه جائز و کلدر جائزدر که عاصی

مطیع اوله و مطیع عاصی اوله زیرا اخر نکرده عاصی
 توبه ابدوب مغفرت بوله و مطیع عصیان اوزره اولوب
 العباد باسد مرند اوله زیرا خاتمه اموره مکینه واقف دکلده
 مسائل فروعده توقف جائز در در **حجت** اهل سنت
 بودر که فوله تعالی و عصی ادم ربه فغوی تکرار حضرت
 ادمک توبه سی حق طرفنده مقبول اولوب بواینه کریمه
 نازل اولدی فوله تعالی قتاب علیه وهدی بیورلدی
 اگر بونکرک زبانه رینه اعتبار اولورسه کفر اولورینه
 جهاد اینک کوچ اولوردی زیرا کفر نیک عاقبت کارنی
 کینه بلز اگر بر اهل ذمت مسلمان اولورسه بوقدریل و بر دوی
 جزیه بی گیر و بر ملک لازم کلور بوقدر متاخرین و منقد مین
 جواز کوسنه مشرک زیرا مؤمن مؤمن اولدوغی خالده مؤمندر
 و کافر کافر لکی حالده کافر در و بوقدر قریه اصحاب موافق
 در لر زیر او فاته موقوف ایدر لر **منه نیک** **التبی** **فوقسی** **منه**
 تارکی در بونکرک اعتقاد لری بودر که حق تعالی بوان
 خلق ابدی کنوردی و ترک ابدی اصلا بونکره برسنه
 تکلیف ابدی در لر انجمن بونکره تارکی دبدیر قول
 بی معینری بودر که حق سبحانه و تعالی جمله نبی نبی ناز
 و برسنه مراد ابله چون انسا حق تعالی بی بله نمازه

و صوره اصلا حاجت بوقدر همان معرفت کافیر زیر معرفت
 جمله منبه دن بوجدر در لر **حجت** اهل سنت بونع امر الهی
 و فرمان عظیم در قوله تعالی فیهو الصلوة و اتوا الزکوة و افعلوا
 الخیر الایه و دخی بونک منالنه اوله بوقدر کرجه الله تعالی به
 برسنه لازم دکلدر اما بوقدر لزیم انجمن عبودیت لازمدر
 زیرا بر محتاج بر نفور عبودیت ابدوب امر به امثال ایدر سک
 اون اول قدر ابر مقرر در **منه نیک** **التبی** **فوقسی** **منه**
 قولیدر بونکرک اعتقاد ی بودر که ایمان مجرد قولدر لر
 اعتقاد قلبیه استرسه اولسون استرسه اولسون تفاوت
 ایدر لر زیرا حق تعالی بیور مشرک که قولو انما بالله و مهر عالم علیه
 السلام دخی بیور مشرک که امرت ان اقاتل الناس حتی یقولوا لا اله
 الا الله دخل الجنة الحدیث و مذنب عبدا سدر کرام که بونکرک
 ربیب بدر ایت کریمه و خیر صحیح ابد اعتقاد شرط دکلدر مجرد قول
 کافیر و بشر **حجت** اهل سنت بودر که حق سبحانه و تعالی بیور
 فوله تعالی و من الناس من یقول انما بالله و بالیوم الاخر و یؤمن
 بمؤمنین الایه و جمله آیات که منافق حفته نازل اولمشدر
 اعتقاد لازم ابد و کینه دلیل قاطع در قوله تعالی و لیسد بشیر
 انهم لکاذبون الایه و خیر رسوله علیه السلام طاهر اعتقاد
 شرط در فال علیه السلام من قال لا اله الا الله خالصا مخلصا

و قال علیه السلام من قال لا اله الا الله ص

وخل الجنة **من ينك** **بدي** **فوقه** **من** **نصب** **والهي** **در** **و** **عواي** **بي**
اصدري بود که ان حق تعالی بی بلمکه متجرب در زبیر
مخلوق خالق لا یقنه کوره بلمکه قار و کلدر در لر و لیدی بود
التوحید خیرة در لر بونله انجون والهی در لر و شبه لری
بود که الت معرفت عقد در و عقل ایه محدود و متناهی
و متکلیف بونکله نامحدود و نامتناهی و نامتکلیف بلتک
نیجه ممکن در محال در زبیر حضرت رسول بیور شد که سنجی
ما عبدناک حق عبادتک و ما عرفناک حق معرفتک و بیک
لا یقدر در لر **حجت** اهل سنت بود که حق تعالی کافر لر حفند
بیور که و ما قدر الله حق قدره ای و ما عرفوه حق معرفته بود بل
سومنز و ک حق تعالی بمسی انجون دلیلدر و بر دخی بود که
معرفت باری سنجی اولمغه لایق و کلدر زبیر معرفت عالم
حواسدن و کلدر که عارف و معروف ارا سنده مناسب
و مجانبست اولمق لازم کله بی نهایت نامحدود نیجه بیور
اکا لایق اوله جون لایق اولان بود که ذات پاکه لایق
اولمیان او صافدن تنزیه ایدوب و ذاننه لایق اولان
او صاف ایله موصوف فلحق حق معرفتک بلنمش اولور
اجمالا فاما تفصیلا الوصیت و ربوبیت ایله بنوب عبادت
اولمقدن منزه در عبده لازم اولان امر بنه امثال و نهی

ایله و کندن اجتنابدر قوله تعالی لا یكلف الله نفسا الا وسعها
بونده عبد ضعيفك معرفتی نیجه ایه طرف حقدن تکلیف
دخی اگا کوره در زبیره و کلدر **من ينك** **بدي** **فوقه** **من**
مذرب عدی در بونلر و ک اعتقادی بود که ما و امله
عادلکة مؤمن عدايله و قصد ایله کناه ایلیمه اول مؤمن
معاقب و معذب اولمزل بلکه اول کناه دیر و کلری سنه
اول مؤمن نفسی ضبط ایتک انجون و شهوتی تکلیف
انجون ایتشدر بوخه قصد ایله امر الی بی خلا فاد کلدر در
بویله اولنجه عفو بیت اولمزد بو بوایت کریمه دلیل کتور لر
قوله تعالی ربنا لا تؤاخذنا ان سئنا او اخطانا الا به ان
بو ایکیدن خالی اولما زبیر انبیا نله در و با خود خطا صا در
اولور بو ایکیسی ایله معاقب اولمزل مکر مؤمن قصد ایلیمه
اوله **حجت** اهل سنت بود که حق تعالی قول لر بیک کناه لری
بشقه بشقه جزاسنی واجب ایلندر مثلا حد و ذرنا و سرفه
و غیبت و قذف اشکاره اوله بونلر و ک جزاسنی مفر
ایتشدر چون قصد و عدی شرط ایلیمه سن مؤمن بکنه
بونلر محالدر و مؤمن اولمبین کسنه دن دخی بو احکامک
شیوئی متحقق اولمزل بونلر و ک بوی معنی قولی حاکم لشیع
شرفی مبطل اوله و کلدر خطا ایدوب قصد ایتشدر بیک

نیجه قابلدر بو خصوصده قصد و عمد مقدر **مشبهه نیک**
ظهوری فرقی مذمب سایبی در بونلر و ک اعتقادی بودر
حق تعالی بو خلق خلق ایدوب سایبه منالنده یعنی
بیانده کرن دوه لر کبی که صحرا لیه او تکرر اکا تشبیه ایدوب
بونی معنی سوزلری سوبلر لر اندن او توری بونلره
سایبه در لر بونلر و ک فولنجی انسان ایچون حاش
عبادت و طاعت لازم دکلدردر لر اگر ایدر سه فضل
اولمش اولور فرائض دکلدردر زیرا عملوا ماشتم
بیورمشدر در لر و دخی بو ایت کریمه نیک ایدوب
قوله تعالی من شاء فلیکفر من و من شاء فلیکفر الابه
حجت اهل سنت بودر که امر الهی اقتضا ایدر که نماز و صوم
و بونلری قبول ایدوب عمل ایلمک ایمانک ثبونی لوازمند
زیرا حضرت ابی بکر الصدیق زمان شریفلنده بر جماعت
زکوة منکر اولدیله اول زمان انکره مرتدوبوب جهاد
انلر و ک او زربنه فرض بدیلر و اعلموا ماشتم من شاء
فلیکفر من و من شاء فلیکفر بوندتمدید ایچوندر غیری
دکلدردر زیرا عقبنجه انه بما نعملون بصیرابه شریفه تهدید
ایچون اولدوغنی مشعر در **مشبهه نیک** **فرقی** مذمب سایبی
بونلر و ک اعتقادی بودر که بر کسنه اون درم کمش

و با خود اون درم کمش قیملور بر سینه سر یقه ایسه
ایچندف بر درم صدقه ایسه انک او زربنه بر سینه لازم
کلمه بر درم صدقه اون درم سر قه نیک کفارنی اولور در لر
و دخی در لر که بر کسنه زنا ایسه و غسل ایسه انک کفارنیدر
زنا ایچون دنیا و اخرتده معاقب اولمز در لر بوننده حضرت
رسول اکرم او زربنه افر ایدر لر که قوله تعالی من جاء
بالحسنه فله عشر مثالها و حدیث شریفکه ایدرست
و غسل حفته و ادر کنا بدن نفسی نظهر ایچوندر غیری
دکلدردر لر و دخی افر ایدر لر که خلقی ترغیب ایدوب
طاعته قندربوب و کنا بدن منع ایچون بونی کتور مشدر
قال الله تعالی تقوا و نوا علی البر و التقوی بو خلقی قور قمنق
ایچوندر در لر **حجت** اهل سنت بودر که قوله تعالی السارق
و السارقه الزانی و الزانیة لو ابکیستک حفته بنجون
جزا بیورلدی زیرا البنده سارق صدقه و بر مشدر
وزانی و زانیه دخی البنه غسل ایلمد حضرت رسول
بیور مشدر که عبیدک عبداخر او زربنده اولان حقوقی
شرع ایله سا قطا اولمز بر مسلمانک حفتی کندوبه و اصل
ایلمک الله تعالی قاتنده بنمش کره نظوع حج ایلمکدن
افضلدر که اول حج قبول اولمش اوله **مشبهه نیک**

اون برنجی فرقه سی مذنب بهسی در بود که بر نشند
حلال اوله و با خود حرام در اصلی ابد بلنه او بله بلنک انما
و صل و حرمت چون اعتقاد ابلنک لازم دکلدر ایما
تحقیق اچوندر در لر و اول سنه که ضبط اختباره کله اولیه
ابنک کر که اول حق تعالی نکت کار بدر غیر دی کلدر
دیو بلنک کرک و ایمان دیو کیز اعراضا در و علم
اشرف صفاندر بونی کا اضافت ابلنک اولیدر در لر
حجت اهل سنت بود که ابلیس لعنة الله علیه بانی حقت
بلوردی و لکن مومن اولدی بوندن ما عدا حق سبحانه
و تعالی بهود طائفه سندن خبر و بردی قوله تعالی بعرونة
کما بعرفون انما هم بوبله ابلن مومن دکلدر در اولیه اونجه
مجر و معرفت ابد ایمان حاصل اولمز ما و امله اقرار و عمل
اولیه **مذنبینک اذ ابلیجی فرقه سی** مذنب حشویدر بونلر و ک انتهای
امام حنبل حضرت زین ابرشور و بو حشوینک مذنبه قباکا
مقبول طومر لر و در لر که احکام شرعیه نص شریف
جو قدر قیاسه محتاج اولمغه سبب نه در زیر ادمشدر که
اول من فاس ابلیس و بردی حضرت عمر رضی الله عنه
بیور مشدر که اصحاب الرای اعداد السنه بیوردی دیو
بونی نمک ایدر لر **حجت** اهل سنت معاذین صل رض

حضرت سرور انبیا معاذی بمن سرداری ابدوب
کوندر کرده اندن سؤال بیوردی که با معاذنه ابد حکم ایدر
معاذ دیدی بکتاب الله تعالی و حضرت بیوردی
اگر کتاب الله اولمزه معاذی دیدی بسنت رسول الله
اگر او دخی اولمزه معاذ دیدی که اجتهد فیه برائی
دیدیلر حضرت بیوردی که الحمد لله الذی وفق رسول
رسوله بیوردی بو حدیث شریف موجب ابو حنیفه
مذنبی اوزره قیاس جاری اولوب بونیک اوزرینه
عمل اولنور اول محله که نص شریف و حدیث شریف
حکم اولیه اولزمان قیاسک حکمی جاریدر و ابلیس
علیه اللعن نیک قیاسی نص شریفک وجودی وار
ابکندر نص شریفه مخالفت ابدوب زعمی ابد قیاس
ابد و کی اچوندر مشبهه فرقه سنک اون ایکی اصول
مذنبلری بو محله تمام اولوب بوند نصکره فروع
مشبهه که اون ایکی اصول مذنبلری بو محله تمام
اولوب بوند نصکره فروع مشبهه که اونوزالتی فرقد
اجمال اوزره مذنبینک اسملری بیان اولنور که بر کتاب
علم تنبع کتب ایدر کن راست کلنور سه فغنی فرقدون
اولدوغی معلوم اولور سماهی صفی مصباحی

سباری رقاشی فردی تصدیقی کرامی
 مرجی مرادی صاحبی عمرانی مؤخری زایدی
 سفرتی مرخصی اثری مقالسی منوکل
 واصلی طهوری صاحبی سنکری رافعی صباح
 رکوعی جنازری نسیمی حجامی غسل
 متغلبی مستندی مقلدی وقوعی نومی
 ضحکی بونکردر که مشبهه عقیدلرینه موافق در لر
 بوندره تمام اولوب ختم اولندی **باب ثالث**
 بو باب دخی معطله و مستهبه کی اون ایلی اصول مذمب لری
 قدری و معزنی فرقه سنک بو محله بیان ایلم ان لرد
 مذمب لری سنک اسم لری بودر که ذکر اولنور و اصلی معزنی
 بذنی نظامی معری کیسانی جاجظی بهنسی
 شوی دخی در لر رونری قاسطی عوضی خباطی
 بونکردر که اجمال اوزره بو محله نخر بر اولنوب بوندر نصکر
 تفصیل اولنور ان لرد نعالی قدری **نک اول فرقه سی**
 مذمب و اصلی در بوندر و اصل بن عطا اتباعی در لر بونکردر
 اعتقاد لری بودر که حضرت علی و حضرت معاویه اصحاب
 کبیره دندر در لر و اصحاب کبیره ایه العباد بالسنه مؤمن
 و نه کافر در لر و بونکردر کفر الیه ایمان اراسنده قالمشدر لر

و در حکم ایدر که حضرت علی و طلحه و زبیر و فقه جلد نصکره
 شهادت لری مقبوله دکدر و دخی بخویر ایدر لر که حضرت علی
 حفته نه مؤمن و نه کافر ایدی و زیاده مخلد اوله سن
 دخی بخویر ایدر لر و دخی در لر که قوله تعالی و من یقتل مؤمنا
 مستعداً فجزاؤه جهنم خالدافیهما و پیغمبر علیه السلام بیور لر که
 لابزنی الزانی حین بزنی و مو مؤمن و لا یسرق السارق
 حین یسرق و هو مؤمن و اسم ایمان مد حدرا اما صاحب
 کبیره مستحق اسم مدح دکدر لکن صورت تصدیق و اقرار
 مطلق کافر در دیکه مانع اولوب انکون کفر الیه ایمان اراسنده
 قالمشدر لر لر **حجت** اهل سنت بودر که حضرت رسول علیه
 السلام بر کون ابا در و احضر تر بنه و سائر اصحاب بیور لر که
 من قال لا اله الا الله دخل الجنة ابو در و ایدر بیکه و زنا و ان سرف
 حضرت بیور دیکه جوابنده و ان زنی و ان سرف ابو در و اوج
 که سوال ایدر لب حضرت بو سوال اوزره جواب بیور دیلر
 حق سبحانه و تعالی حضرت لری بیور لر قوله تعالی ان الله لا یغفر
 ان یشرک به و یغفر ما دون ذلك لمن یشاء و بر دخی بودر که
 قوله تعالی لا تقنطوا من رحمة الله و قوله تعالی و تو بو الی الله
 جمیعاً ایها المؤمنون و بر دخی بودر که یا ایها الذین آمنوا
 لا تقربوا الصلوة و انتم سکار یا فجزاؤه جهنم خالدافیهما

ان سو

و پیغمبر علیه السلام بیورر که لایزنی الزانی جن بزنی و هو مؤمن
 و لایسرف السارق جن بسرف و هو مؤمن و اسم ایمان حد
 اما صاحب کبیره مستحق اسم مدح و کلمه لکن بصورت تصدیق
 و افراز مطلق کافر و در یک مانع اولوب انجمن کفر الیه ایمان
 اراستنده قلمش در در لایسنت بود که حضرت
 علیه السلام بر کون با در و احضرت لریبه و سائر اصحاب بیورر که
 من قال لا اله الا الله و دخل الجنة بونده جواب بود که تا ویلی
 جائز کور شد در بر مؤمن که معتمد مصلوله اول زمان کفر اقتضا
 ایدر و بروخی بود که معتمد مصحف حق سبحانه و تعالی حضرت لری
 جزا سنده کوره عقاب و عذاب ایدر ب صکره خلاص ایلیه
 و خالد بونده طول حکمت و مفسد و بیشتر بوابت کریمه مفسد
 قوله تعالی و لکن اخلد الارض بونده مراد طول حکمت در د بوا
 اتفاق ایشدر در **فوق نیکابنجی فرقی** مذمت معتزلیه بوندر و کت
 اعتقاد لری بوزر که لفظ اعتزال باطلدن حق مطرفه سبیل ایشدر در
 قاضی عبدا بجار که کبار معتزله نذر **نیکابنجی** فران عظیمه سر محده که لفظ
 اعتزال واقع اولمشدر مراد باطلدن حقه اعتزاله در کقول تعالی
 فان اعترتکم و لم یقاتلکم و قوله فان لم یعترتکم و یلقوا الیکم
 السلام الیه بوبله و لکن معلوم اولدی که اعتزال صفت مدح اولدی
 دم و کلمه در و بصره معتزله سندن ابو علی محمد بن عبدا الوهاب

البجائی نیجه مقالانده مسفرد اولمشدر جلدن بری بودر که
 حق تعالی بغداده مطیع دیو تسمیه ایشدر بغداده ان نه
 مراد ایلد و کن ایدرم و بیشتر و کلام لیسدر عسدر زبر اچوق
 مکانده بولنور و بیشتر و مکاندن صکره مکان انخوره بولنوب
 مکان اولدن معدوم اولوب مکان ناییده بولنور حاوندر
 و بیشتر و حضرت ابی بکر اوزرینه حضرت علی بی و حضرت علی اوزرینه
 حضرت ابی بکری تفضیل ایشدره نوقف ایشدر مع هذا ابو بکر
 و عمر و عثمان رضی الله عنهم خیر لیر قدر و بوب حضرت علی
 حضرت عمر و حضرت عثمان مدن خیر لیر قدر و بیشتر و برام بسنده
 حق تعالی خلق ایشدر و عبدا کت فعلنده حقت مدخله سی بوقدر
 در لر و عاصیله عصیانندن و نوری عذاب و عقاب و بنموی
 ظلمدر در لر **حجت** اهل سنت بودر که فان لم تؤمنوا بی فاعترتوا
 و قوله تعالی قل کل من عند الله لایه بو محده اعترت لیر مراد کفر و حقه
 رسول علیه السلام بیورر القدر خیره و شره من لیسدر احدث اگر
 عبدا کت فعلانی ایشدر تعالی نیک ارا و تیل در و بیک و درخی معک
 ارادت حقه خار جدر و بیک و بیک اولور که حاث الله تعالی
 ارا و تیل در و بیک و درخی معاصی ارادت حقدن خار جدر
 و بیک اولور که حاث الله تعالی عجز انبات ایشدر
 اولوزر زبر احق تعالی بر سنه مراد ایشدره اول سنه اوله حق تعالی

درخی حق تعالی ولد خلق ایشدره حامله
 خاتون کبی در دیشدر صو

برسنی می مراد ایلیه اول سنه اولیه عاجز اولمش اولور تقی
 شانه عن ذلک قدریکنا **و جیحی فرقه سی** مذنب نذلی درو بو ^{طائف}
 ابو الهذیل محمد بن الهذیل العلاف انا عبیدرو بو نلوک
 اعتقادی بودر که حق تعالی حضرت لیک قدرتی مناسی در در
 و حق تعالی نیک علمنه و قدرته کند و نیک زانیدر در لر و حق
 تعالی نیک کلامنه عرضدر لر و عبیدر ک فعلنه حقا بجای
 و نیک برسنه ایکی قادرک تحت قدرنده اولمش اولور بو خود
 محالدر و اگر حق تعالی نیک هماننه کند و نیک کند و در در ^{کلام}
 عرض اولیه و مخلوق اولیه و بر محله اولیه و لاسو و لا غیره
 اوله بوه محالدر در **حجت** اهل سنت بودر که حق سبحانو تعالی
 قدرت کامله اثبات ایلمک لازمدر و اثبات قدرت کسب
 منافی نبوت قدرت خلق اولمز و دخی عالم بی علم و قادری
 قدرت و حتی بی حیات بو جمله محالدر و کلام صفتدر و صفت
 قدیم خود قدیم اولمق کر کردر قدیم اولان سنه حادث ایله
 صفت اولمق قابلمیدر و کلدر امدی قدریک صفتی دخی قدیم
 و اید اولمق اولی و اوجه در **قدریک در دخی فرقه سی**
 مذنب نظامی در نظر معجزه نیک شد سبله بر اہم بن بسیار نظامک انبیا
 انجمن نظامی و نمندر و بو مکنه معتزله نیک عابند زعم
 و سفہکندن بر مکنه در که بر نیجه مسئله منفرد اولمشدر

جمله نذیری بودر که حق تعالی شتر و عصبان اوزره قدرت اید
 موصوف و کلدر و یوب نیجه بهوده نذبات سو بشت در و دخی
 حق انجمن را دت بو قدر و افعال عباد جمله کاندرو نفس ایله
 روح انان کند و سیدر بدن انجمن برالت در و بشت در و محل
 قدرت فعلدن مستجا اوله اول حقدندر و حفاک فعلی
 و جوهر فرود انکار ایلیوب جوهر اعراض مجتمعه دن مؤلفدر و نذر
 و حق تعالی موجوداتی دفعه واحده خلق ابدی دیوز عم
 ایلیوب و قران عظیمده اعجاز انجمن غیبین خبر و بردوکی
 ایچوندر و اجماع امت دلیل اولمز و بو انکار ایلمشدر و اصحاب کزینہ
 صلح ایلمشدر باغ فدک ایچون منع ایدوب حضرت فاطمه رضی
 عنها اور مشدر و بو نیجه اقر ایلمشدر و ابو هریره به قبتہ اللہ
 دیکلی التزام ایلمشدر و صلوة تراویح جائز و کلدر و بیقات حج
 دخی جائز و کلدر و یونہی ایلمشدر و انشفاق قمری العیبا و باید
 تکذیب ایلمشدر و اجنه کور ملک محالدر در لر و ایکیوز در جمعه
 الکسک سرفه ایلمین مکنه فاسق اولمز دیوز عم ایلمشدر و کتابة
 اید طلاق واقع اولمز بیند دخی اولور سه و منوضی اولان مکنه
 ارفه سی اوزره بانوب او بوسه حدت جفا و فجا ابدستی یوزوز
 و فوت اولان نمازک فضا سی لازم کلمه و بو کاکبر نیجه
 سنه لر ارتکاب ایلمشدر **حجت** اهل سنت بودر که حق تعالی

عبودیت جمله قولتک اوزرینه واجدرا اما حق تعالی حضرتتک
اوزرینه برسنه واجب دکدر زبراموجب قادر و قاهر در و جوب
مفهور در و مرسنه که حق تعالی ذاتتک غیر بدرا لسنه نهایت
اولور انجون جزو لایجری در لر و اعجاز قران عظیم ایله
ثابت اولوب نظم شریفه مذکور در قوله تعالی قل لیسنا
الانس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لایاتون بمثله
الایة و بواکبکزد لایل دخی جو قدر اما بوندن زیاده و بی
لازم دکدر و دخی اجماع امت لازمدر زبر حضرت پیور شد که
لا یجتمع امتی علی الضلالة الحدیث زبر اینجه صلحا و امت
لا یخلفون بره جمع اولوب خیر ملاحظه ایلیوب بر رأی لایق کور
اول رأی حسن در و سوکلو در دیکت اولور **قدرتک شیخی فرقی**
مذمب معمری در بوندر معمر بن عباده سلمی انبا عندن اولمغه
معمری دلمشدر و بوفرقه قدریه فرزندتک اعظمیدرفع
حضرات قدره مبالغه ابلشدر و معمر برینجه مسنده منفرد
اولمشدر بریسی بودر که ان جسدده حال دکدر لکن جسدی
مدبر در روان نه اوز و ندر و نه انب و در و نه لونی وار
و نه نالیقی وار و نه حرکتی وار و نه حالدر و نه متمکن و ان
بوجسدک غیر بدروان نه حق و عالم و قادر و مختار در
نه متحرک و نه ساکندر و کورمز و پایشلمز و بر موضعده حال دکدر

در مکانی حاوی دکدر و بوب محصل ان فی الوصیت جهتی
ایله موصوف فلشدر و بومعمر فنزه مدبر عالم اولان بون
ایله موصوف در اسد تعالی اجب در دن غیر بسینی خلق ایلمشدر
واعراض ابره اجب ده تولد طریقیبیده با بعدر و بدمشدر و حق
تعالی بچون حاش قدیم دکدر قدمدن اخذ ایدوب مستقدم
قدیم اولمشدر و بوزعم ایدر **حجت** اهل سنت بودر که قوله تعالی
قل اسد خالق کل شی بوئلرا بچون بودلیل کافیدر زبر اندیک
بطلافی قتی ظاهر در و بونلردن بر فرق دخی واردر که اندر حار
در لر اندر کت عقیده سی بودر که ان خالق اجسام اوله مثلا
قرمش انی استسی انکه اینه قویه لر بر فرج کوندن صکره جمله قوردا
اولور در لر بولدی بی معنی سوز لر سو بلیوب مذمبلر نه رواج و بر
استمر لر بومقوله قول باطلدر خود بطلانی اظهر من الشمس در
قدرتک الشیخی فرقی مذمب کب بی در بوندره است می دخی در لر
هشام بن عمر و توابعی اولد و غیچونه بونلر و کت اعتقاد لری بودر که
ان نه اچونه اولان عملک نتیجه سی بو قدر در لر و بر کسینه بیکت
معلومی دکدر که طاعت اچونه جخانه در و معصیت اچونه عقوبت
دخی در لر که جنت و طامو الاله خلق اولما مشدر بونلر و کت
شبهه لری بوندن در که حق تعالی پیورر که قوله تعالی تعالی
قل ما کننت بدعا من الرسل و ما ادری ما یفعل بی و لا یکرم الیه

اگر جنت و طاموبی مخلوق در بسک باقی و ملق لازم کلور و کلین علیها
 فان دلیل فناء کل موجودات در **رحمت** اهل سنت بود که
 قوله تعالی لها ما الکسبت و علیها ما الکسبت ان حسنتم احسنتم
 لانفسکم و قال علیه السلام الذین احلم المنام و الیها مجازون
 و معافون الحدیث فاما احوال حضرت ادم علیه السلام معلوم در
 فرمائ الهی ولدیکه یا ادم اسکن انت و زوجک الجنة الایه چون
 جنت اولیا ایدی حضرت ادم فانه آرام و فرار انمش اولور
 بونلر و کت غضب لری جمله بونک کسید **قرینک بدیجی فرقی**
 مذنب جا حطی در بونلر عمر و بن بجا خطا تابا عبدر اندر اولور
 جا حطی و بیشتر در و بو جا خط بر پنجه مسئله متمیز اولمش
 اندر پنجه برسی بود که جمله معارف ضرور پیر و افعال عباد و معارف
 و کلدر بلکه چلی در و عبادا چون ارادتون غیر کسب بود
 بیشتر و عبودار و محذ اولر بلکه نار حطی اولور لار و بیشتر
 و حق تعالی بر کسند باناره او خال ایلم بلکه نار نفسند و طبعند
 اولور و بیشتر و قران اجا و مقوله سپدر منلر در گاه اولور که
 ر جل اولوب و گاه حیوانه اولق جائز در و انبیا به چکن ایدوب
 در که بارین قیامت کوننده بوسف پیغمبرک و امننه بابشوب و
 که پنجه اول پیر نجفی یعنی حضرت یعقوب پنجه خیر کوندر در بود
 بلا و فراق جکدر و کت دیو و حضرت سلیمانک و امننه بابشوب

در بین که پنجه بخل ایدوب و در و کت که رب سب ملک لا یغنی لاصد
 من بعدی الایه بوندر او توری مواخذه ایدوب پنجه تر با
 سو بیکه اختیار بیشتر و دخی چشم فابولر اما بر حاله و وز دیو
 بعضی فابولر ایدوب بیشتر **رحمت** اهل سنت بود که عصمت انبیا
 مقرر در زیر انبیا علیهم السلام حق سبحانه و تعالی طرفندن
 اذن اولمش بر سنه به عمل ایدوب هر که صدر اولمش اذن
 حقله در اولد اولو پنجه عصمت غیر حاطره پنجه خطور ایدر
 و انبیا تک راسته حضرت یوسف و حضرت سلیمان علیهما السلام
 احوال لری حق طرفندن بی اذن و اجازت و کلدر و حضرت سلیمانک
 در عاسی خجی حکمه در بخل و حس است چون و کلدر بلکه عند ضعیفک
 حاله ترحم ایدوب بوقان دنیا اید هر بر کسند باشه چکلر و غننه
 اولور اوله و با خود دنیا اید وجودینه غور کلمر سلیمانک مشرب
 کسند به نصیب اید که نرود کبی مغروب اولوب جحوای الوهیت
 ایلمه دیک اوله بار بسن هدایت اید **قرینک بدیجی فرقی**
 مذنب همیشه و نئوی دخی در لری بونلر ابو یاسم علیه السلام بن
 الجانی تابا عند اولمغله همیشه در لری بود پنجه مقالانده بعثت
 ایدوب منفرد اولمش در بونلر فائده هجارت واجب و کلدر
 و ان عبادنه متظهر اولدوغی حاله ماسور در دیور عم ایدر لری
 و فرنگ و ترک و سندی حاش بوفرا کبی سو بیکه فادر دیور عم

اید و پنج تریات را تکاب بدرد و غضب ابدانی صورت ابدت و طهارت
 جائز در فاما ارض مخصوصه در چهارت جائز و کدر در در بونلر و ک
 اعتقاد لری بود که کبیر صاحبی اولانکه سینه نیک نوبه سی نوبه با سید
 مثلا ایماه باس کبیر و مقلدک ایمانی صحیح و کدر و حق تعالی نیک و بدای
 منکر در و کندوسی به کور در در و فران مخلوق در در و دخی حکم خجانی
 منکر در و شری حق تعالی خلق ابدی در در و کفر و معاصی چون کفر و کذب
 بود در در و لو علی جانی رئیس معتز لیدر **حجت** اهل سنت بود که
 حق تعالی بپورر قوله تعالی ان لا یغفر ان یشک و یغفر ما دونه ذلك
 لمن یشک الابه و حضرت رسول اکرم علیه السلام بپورر که مؤمنک نوبه سی
 مقبوله در در و حق یغفر و محبت و کفر ایچونه و بد و کفری کفره فولی کبی در
 در که انلر بزوانه و اهرمه در در و بوجاعته اندزه او نوری شوی در در و مسئله
 ایچونه قوله تعالی و لو شئت لانتین کل نفس بر بها الابه محصل کلام القدر
 خیره و شیره من لیسر تعالی بو خصوصه زمین و اسماء اهل قضا و قدر
 اختلاف اوزره در در **قدر نیک** **قطر بنی** **فرقه سی** مذهب رونی
 بونلر و ک اعتقاد لری بونکنا و زرینه در که قبل الفعل شیخ جائز و کدر در
 و فعله مقدم منسوخ اولمق خاشا بلیمک لازم کلور و زابنده خطا
 ایلمک لازم کلور حق سبحانه و تعالی حضرت نر نیک علمی اندزه پاک و بریدر
حجت بود که حق تعالی بپورر قوله تعالی ما ننسج تمایه او ننسها نیت
 بنجر منها او مثلها الابه و حضرت خلیل علیه السلام او فلنک نر کبی حکمی

قبل الفعل منسوخ اولدی و دخی حضرت رسول علیه السلام معراج
 کیچرسی الی وقت نماز تکلیف اولوب قبل الفعل فرق بش و قبی
 منسوخ اولدی و منسوخ دخی بر پنج قسم اوزرینه در بونلر در که تلاوت
 منسوخ حکمی با قیدر و بری دخی بود که تلاوتی باقی حکمی منسوخدر
 اولکه حکمی منسوخدر قل یا ایها الکافر و ندر و اولکه تلاوتی منسوخدر
 الشیخ و الشیخه اذ اینا فارجموها البتة نکالامن لیسر و لیسر غیر
 حکیم عصمنا لیسر عن الاحواء الضالة **قدر نیک** و **بنی فرقه سی**
 مذهب قاسطی در بونلر و ک اعتقاد لری بود که رزق یعنی
 خدا حرام بود در در زیر حق تعالی رزق حرام تقدیر بنمش
 اوله ابدی حرام اوزرینه عقوبت ایلمک عدل و قسط او لمزدی
 زیرا حرام رزق و کدر یعنی خدا حرام او لمزد **حجت** اهل سنت
 بود که قوله تعالی و ما من دابة فی الارض الا علی لیسر رزقها الابه
 حرام طاشدنه عبارتدر خداضه عبارت و کدر در در چون انسان
 کسب شرعی ابد و با خود عبادت حال اوزرینه بنمش اولور
 قال علیه السلام الناس فی مساجد هم و لیسر فی حواجمهم رزقنا لیسر
 بجلالهم **قدر نیک** **اون بر بنی فرقه سی** مذهب عوضی در
 بونلر و ک اعتقاد لری بود که حق تعالی بر کسبه به عت عوضی
 اولیه و با خود تحمل مشقت اولیه داخل جنت او لمزد و کوجک معصوم
 حالت نر عده جائه الوب و برمه سی عوض جنت ایچوندر بودنیا

عالمی عالم جزا در و جزا چگونه عمل لازم در در قال الله تعالی جزا کا نوا
یعلمونہ وقال الله سبحانه ان هذا کان لکم جزاء وقال جزاء وفاقا وقال الله
تعالی لیس للانہ الامامی بونتری دلیل کنور لر **حجت** اهل سنت
بود که جزا چگونه عمل لازم در اما حق سبح و تعالی منکر لفظی عمل
موقوف و کلد ر بی معصیت عقوبت ابلتک لوم و کلد را مابی
طاعت لفظ ابلتک کر می چندی در مجر عمل موجب جنت و کلد
اسنسه اهل جنت ایدر اسنسه اهل نار ایدر **فرقینک** او یکمی فرقی
مذنب خیا طیدر و بو کرده ابوالحسن خیا ط انا عبیدر بونلر و ک
اعتقادی بود که معدوم ابجونه جسم در در لر و بونلر بعض
در لر که جوهر و جسم بو قدر اما بر شیده در در لر و اول سنه که
موجود در فانی و لور بعد از فانی اولور در لر حق تعالی سوره
ان زلزلة الساعة سی عظیم ایله دلیل کنور لر و در لر که حق تعالی
وجوده اولان سنه پیشی بی روی در لر **حجت** اهل سنت
بود که معدوم نفیذ عبارت در لر اگر شیدر لکه و اگر لاشی در
برابر و ذکر قیامت وجود طریقی اوزره در و بوجامه ناشی
در لر اگر عمده و فایدر سنک حسندر و لر و فایتمز ابلتک کرفنا
عذاب اوله یز در لر و اگر ایله استی اولنور سه بودر و اگر
کزیج ایله اولور سه کفایت ایدر در لر بونلر حق تعالی لبتک بو فونه
منکر لر در قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود وقوله

او فوا بعهدکم اذا عاهدتم بونلر که چگونه ناکشی در لر **فروع قدری** و معنی
قدر بیکت او نه یکی اصولی تمامندن صکره فرو عینه دخی شروع اولوب
اجمال اوزره بونلر و ک دخی اسمی بو محله ذکر اولنور شبرکی
شیطانی منبری احمدی ثنوی ناکشی ضارک
علاقی بشری طالبی بو اونه طا بغه دخی بد عقلنده
وضلا لندره قدری و معنری مذمبده منقلدر در بونلر و ک
بو محله تمام اولوب فالدی **باب رابع** بو باب دخی جبریل
مذمبی بیانده در بونلر و ک معطله و مشبهه و قدی کی اونه یکی وجه
اوزره اصول مذمبلی ذکر اولنور اسمی بونلر و ک بیانه اولندی
مضطری عجزی مغزوغی بخاری منکری منانی کسلی
سابقی جسی فکری صوفی حشبی و بو اونه یکی فریقک
مذمبلی بی ان شالله تعالی و بوضله شروع ایدوب بیانه اولنور
جبریلک اول فرقه سی مذمب مضطری در بونلر و ک اعتقاد و ک
بودر که ان نه جمیع احوالده مضطر در انلر و ک فعلنده اصلا
اختیار بو قدر بلکه ان تک فعلی مجاز طریقی اوزره در حقیقتده
قول یعنی عبدا چگونه فعل کس بو قدر و بو ابیت کریمه منک
ایدر لر قوله تعالی لیس لک من الامر شی و قال الله سد الامر قبل
و نه بعد و قال الله ما کالهم الخیرة بو خصوصده حق تعالی فاعل
وان نه دخی فاعل اوله و کلد ر زبر اشکت اولنق لازم کلور بو

حجت اهل سنت بود که حق تعالی قولی را چون فعل و کسب ثابت باشد در قوله تعالی جزاء بما كانوا يعملون و قال لیس لهما ما کسبت و علیها ما کتبت و قال لیس فی ایه السرفه جزاء بما کسبا نکالنا لیس الایه و عبد فعلنی کاسیدرینا اول فعلی خالق اسد تعالیدر و اختیار جزوی عبدک التدر در عبدنه اختیار رسالت امرنده نئی اولور و با خود هدایت امرنده بوا یکبدره غیر بده عبدک اختیار می مقرر و کاسیدر فاعل حقیقی نیه باز بر بر بوسند معلومدر که رکعت اخر مکنتک قفسند که بوزن و با خود پرنده چسند بر روی قیمت مرغنی اطلاق ایب و با خود اخورنده بعض حیوان اطلاق ایب و اول اطلاق اولیانه نشد بضر منربا و لسا اطلاق ایده نکش اولیانه امام اعظم مذمبند ضما لازم کلز و اگر بر کسند اخر مکنتک مشک روغبین و با خود کلا بیان اخربن اجوب دو کسند اول دو کسند ایگونه ضما لازم کلز بر اول حیوانه و مرغ دی روح اولد عجبونه اختیاری وارد را ایگونه ضما لازم اولز فاما مرغنه ابد کلا بدینک لازم اولدی زبلا اختیاری بودر جواب و بر بلور **جبر بربک ایکنجی فرقه سی** مذمب عجزی در بوندر و ک اعتقادی بود که عبدک فعله و بسی وارد در لر کنک منع اولنق ممکن دکندر چون بولاری حوه کبی هر فاند که جکر لسه انده کیدر کتا مکله جاره بودر و دخی در لر که چون حق تعالی حکم نافذ اولد بر طریق ابدانی دونر کنک ممکن

اولز و ان هر که ابد حق تعالی حکم ابد در اگر حق تعالی حکم ابد و کن ان استرسه ایتمز و نبلور سه حق تعالی به عجز انباش ایتمز اولور **حجت** اهل سنت بود که قوله تعالی لا یكلف الله نفسا الا وسعها الایه حق سبحان و تعالی حضرت زینب عاخر و بک لابن و کله روانه ایگونه اول شئی که بورد شد را کا دخی ان نک عجزی وارد و بک سفها کلا سیدر زیر حق تعالی کوچ بورد شد را نک تکلیف النساء قدرنده یا دکله روان نک تحمل اندو کند کوره صوم کبی و صلوة و حج و زکوة کبی بونری قدرنی اوله ایگونه تکلیف ابشر غیر دکله بونرجه معلوم اولد که مذمب عجزی بیوده و یاوه اولد و غنه ذره قدر شبهه بودر **جبر بربک ایکنجی فرقه سی** مذمب مغر و غی در بونر و ک اعتقادی بود که حق تعالی چون خلق ابدی و هر سنده مراد ایله جلد تقدیر ابدی و قلم یازدی اندر صکره دو کلی شبده فارغ اولدی شمس زینب اوزره اول تقدیر اولیانه مخلوقی بر بر کتور مکده در دیو بوایت کریمه نمک ایدر که جفا القلم با هوکائن حسه و الکتاب المبین الایه عبدلسدین عباس رضی الله عنه بیور که نفس جم بودر که حم ای قضی با هوکائن بیور و **حجت** اهل سنت بود که قوله تعالی کل یوم هو فی شأن الایه و بر دخی بودر که شغل و فراغت افعال عاشر اوله فعل ایگونه الذر حق سبحان حضرت زینب صنع قدیمی شغلده و اوله مقدس در و انک حکم و قضاسی انک قدیمی جفا بندر و انقضائنها

وحدوث محکوم اوزرنده نابندر هر نه قدر مخلوق و ارا بر کند
وجودی فتنه حادثا و لور غیر دکلر **جبر بزرگ در دخی فرقه سی**
مذهب نجار بدر بونز حسین بن محمد نجار بنا عیدر بونز و ک اعتقادی بود
اجم اعراض مجتمعه حاصل اولور در لر و دخی در لر که چون قرانی
باز سن چسدر و اوقیه سه عرضدر لر و اخطال کفار البته دوزخده در
والبنه اخطال مؤمنه جسته در دبو نوجیه ایدر لر چون قرانی باز سن کلور بلور که
مدا و کاغذ در بونز چسدر چون اوقیه سن صوت در بوابه عرضدر
و هم جسم و هم عرض اومسی مجتمع بر جسم اولور در لر و اخطال کفار کفان
ملحق اولور و اخطال مؤمنه ملحق اولور دبو بوابت کر بینه ک ایدر لر
قال لیسد تعالی والذین امنوا و اتبعهم ذریتهم بایمان الحقا بهم ذریتهم
احکام دنیا و دخی با بالری و انالری اوزرینه نابندر در لر **حجت**
اهل سنت بود که عرض قابل اجتماع و افتراق دکلر و قران کلام لیسدر لیسر
شرف بر جسم و عرض اولحق حاش فامل دکلر زبیر احد و جسم و عرض
لابد در مخلوقیت ابه حد و کت لزومند ناشی در حواجه عالم صل لیسر
علیه و سلم پیور مشدر که القران کلام لیسر غیر مخلوق احدیت و اخطال
کفار ناره کبریک لایق دکلر لقوله تعالی فانذرکم نار تلظی لایسرها
الا لاشق الذی کذب و تولى الایه زبیر اخطال تکذیب و تولى ایتماسد
وقال لیسر و ما کننا معذبین حتی نبعث رسولا الایه و اخطال ایچونه
بعث رسل خیرا و طرز زبیر تکلیف داخل دکلر در و بونز مذهب نجاری

ابن فرقد ربری بر غوفی در که محمد بن عبسی الملقب بیه غوث و بعضی شریعی
نابندر در لر بونشی مذهبنده اولنکر خروج امامه منظر لر در و امام دبو
حضرت علی اولادینه در لر و اندر غیر به امام دبو **جبر بزرگ شیخی فرقه سی**
مذهب منکر بدر بونز و ک اعتقادی بود که چون نام خالق با اولنه
انک با بنجه مخلوق نامی با و اولما مق کر کر مکر شول وقت با اولنه که
لا اله الا الله و یس اولر نامه جائز اولور و بونز و ک شبهه سی بونزه در که
قال لیسر فل اسد ثم ذریهم و دخی بونی دلیل کنور لر وقت فبجده حق تعالی
نامه غیر لایق دکلر ذکر ایلک در لر و دخی در لر که لا اله الا الله و یس
در لر **حجت** اهل سنت بود که حق تعالی ذکر محمد رسول اسد پیور دی قوله
تعالی و رفعا کت ذکر ک الایه کلمه شهادتیه لازمدر که ذکر محمد با و ایدر
دیس که لا اله الا الله محمد رسول الله قولى ایله اسلام در سنت اولور
فما نفع و اثبات ذکرى بومنون اولور در که فاعلم انه لا اله الا الله لیسر
انه لا اله الا هو و بونشی سبالعدر غیر حق سبحانه و تعالی حضرت بزرگ التوحید
انساندر **جبر بزرگ التبی فرقه سی** مذهب منافی در بونک شتقاقی
منندندر بونز و ک اعتقادی بود که لیسر تعالی کتایله ثابت دکلر
و قران بزم اولور بزمه بر سنه واجب ایلماندر و حرام دخی ایلماندر اصل
دلیل بود که هر نه که کله کلور ایلمک کر کدر و هر سنه که کوکل منع ایدر حرام
اولور در لر **حجت** اهل سنت بود که حواجه عالم علیه السلام متصل دعا
ایدر و بیک اللهم انما الحق حقا و ارزقنا انبعا و اننا الباطل باطلا و ارزقنا

اجتناب

الحديث جوه رسول عليه السلام بود عابه محتاج اولنجه هر کوه که کلن ابد
کارا بکتاب نیجه ممکن لایق و کدر بزه اصل لازم اولان کتایب لیسدر جوه
بر محله نص شریف بولنجه خبر رسول اجعت ایلمک لازمدر جوه خبر
رسول وخی بولنجه اول زمانه قول مجتهدین واجماع امت لازمدر
اول وخی بولنجه اب شمعی جنها و اولنکن توجه حق ایدوب خیر ظن
اولان نه سنا اید عمل اولنق لایقدر **جبر بک** بدی **قره** مذنب کسی
بولن و کاعقادی بود که ان نه ایچونه کرچه اجنها و وارد لکن جسد
اید بر نه حاصل اولن نه اجنها و اید اله بر نه کلورونه کامل اولن
ان نه زیاده ایچونه ایدر بوا بکیده تفاوت یوقدر در لربوط ایلمک
شبهه سی بونده در که حق تعالی لفظ و قهری بوننده افعال
نه علاقه سی وارد رضای بچونه ان تک طاعتنه نه فایده سی وار
وعاصی اولانک عصیاننده نه ضرری و نه نقصانی وارد نه طاعت
موجب ثواب بلورلونه معصیت ایچونه موجب عتاب و در لکه لقله
تعالی بفعل لیسر مابت او بکرم ما بر بد **حجت** اهل سنت بود که قوله تعالی
من عمل صالحا فلانفسه یهدونه وقال لیسر و اهل بجازی الا الکفور
وقال لیسر من عمل صالحا فلنفسه و منه آساء فعلیهما الایه حضرت رسول اکرم
بیور مشرک قیامت کونتنه خطاب عورت کله که بواستی صراطنده استون
اوز بول و بر بکوز نیم عفو مله و جننه داخل ایلمکوز نیم فضلم اید و بول
درجه لوطونکوز کند و لکن عملنه کوره و نیم فضلم اید و بومر نه ایلمش

اوله اولنجه حق سبحانه و تعالی تک امر نه امثال نه باوه لازمدر و نهی
اید و کندن اجنابدر که معصیت در اگر چه حق تعالی تک الوهینی نقصانه
پذیر اولن اما اجتناب لازمدر **جبر بک** سکزی **قره** مذنب سابق در بولن
اعتقادی بود که طاعت و معصیت ایچونه هیچ اعتبار یوقدر در ل
نا حکم سابق ظنیه ایدر جک ایسا اول و لور اول سنه که اهل سعادت
شفا و تک نه ضرری وارد و اول مکسکه که اهل شفا و ندر عبارت
و طاعت نه فایده سی وارد در لربوط حدیث شریف تک تک ایدر که
پیغمبر علیه السلام بیور مشرک السعید نه سعد فی بطن امه و الشیخ نه شیخ فی بطن
امه و قال تعالی یجوا لیسر مابت و نیت عبد لیسر عباس رضی الله عنهما بیور که
الا فی ریح السعادة و الشفا و الرزق و الاجل بود روی مجال یوقدر که
تبدیل اوله اولن **حجت** اهل سنت بود که حق تعالی بیور که قوله تعالی ثم کان
عاقبه الذین آساءوا السوء ان کنزوا بایات لیسر و قال لیسر من یعمل مثقال
ذره خیرا یره و منه یعمل مثقال ذره شرا یره امام اعظم رحمه الله علیه
بر کچه بوایت کریمه ناصحه و کین او قدری و اخذی بوایت کریمه تک خطانی
نیجه ممکندر بونکجه حق تعالی بیور که قوله تعالی ام حسب الذین اجترحو السبانه
ان یجعلهم کالذین امنوا و عملوا الصالحات سوا محجام و مما نهم الایه
و حضرت عمر رضی الله عنه حضرت رسول نه سوال بیور و بیلر و بیلر که با لیسر
چونه حکم ازل اگر سعادت و اگر شفا و نیت ثابت اولمشور با بریم علم
فایده سی نه اولمش اولدی و بیلر حضرت علیه السلام بیور و کچه

اعلموا فان كلا مبسر لما خلق له الحديث وحضرت عمر ویدیکه بزم طاعت
اینگله نه غیر کار بفرموده ریرا حتی تعالینک علم قدیمی اوم تبه وکلور
بوجیف ان نانی محیط اوله جهانه لازم لازم اوله بود که بیور و غنه
کوره عمل ایلمک لازم در آنک علم از لبسته حجت اوله بیور و بجز **فرقی**
فرقی مذهب حتی در بونلر وک اعتقادی بود که چون ان به نصر
دشمنه فرایده و محبتی کماله ارشوده اول زمانه و جه تمام ظاهر اولور
بوندر نسکره قوللق اعتباری نده فالقار و قلم تکلیفانده مندرع اولور
در لر و چون بونده بومسوال اوزره اوله اخرنده وخی نفس دشمنی فرایده
کسند ایچونه عذاب و عقاب اولور در **حجت** اهل سنت بود که قال لیسر
تعالی ان کنتم تحبون لیسر فاتبعونی بحکم لیسر الایه بوابت کریمه نک مضمون بود که
حضرت رسول اکرم متابعت ایلمک حق تعالی حضرت زین کمال محبتی اثباتدر
اوله اولنج معلوم اولور که محبت ایلمک ایلمک نده قوللق خطاب زایل
اولور بلکه وخی زیاده اولور قال علیه السلام انا معاشر الانبیاء بضاعف
علینا البلاء کما بضاعف لنا الابرار الحدیث حضرت رسول بچونه خطاب کلیدیکه
وا عبد ربک حتی یا نیک البغین ای الموت حضرت رسولک کمال مرتبه درجه
و وفور محبتی وار اکن بومسوال اوزره خطا بکلده غیر قوللری بچونه
قوللق اندونجه ساقط اولور اولماز و حضرت رسول کیچه چکنده اولفدر نماز
قلوب عبودیت ایلمک که حتی مبارک ایضری ورم بغامت در بنه قوللق
منقر در غیر بجز بنجه ساقط اولور اولما **جبریک** و **بنجی فرقی**

مذهب خوبی در بوفو کما اعتقادی بود که مؤمن بچونه بیج بوجهد قور قور
بوقدر در لر بونلر وک شبهه لری بونده در که چونه مؤمنلر بر برید و ستر در
قوله تعالی السدوی الذین امنوا الایه بوبله اولنج یعنی مؤمنلر وک و لبستی اولنج
مؤمنلر بچونه خوف بوقدر در لر و وخی جمله و عید که قرآن عظیم ان نده در
انده مراد کافر ایچوندر عاصیلر بچونه وکلدر در لر **حجت** اهل سنت بود که
قوله تعالی فلا یأمن مکر السد الا القوم الخاسرون الایه وان نه طاعت محکمه
قور فی کر که که معصبتنه امین اوله قوله تعالی والذین یوتون ما اتوا قلوبهم
وجلته الایه پس ایدی عید بچونه و انما خوف اوزره اولمق کر که و اول کسند که
خوف در جاهه برابر اوله مؤمندر زبر اهل سنت خوبی رجا اوزره و رجائی
خوف اوزره زحج اتمبوب بین الخوف والرجا یعنی حق سبحانه و تعالی حضرت
عذاب و عقابنده خوف ایدوب و لفظ و کر مندر رجا اوزره اولمق کر که در لر
جبریک و **بنجی فرقی** مذهب فکری در بونلر وک اعتقادی بود که
بر کسند علم تحصیل ایدی و تحصیلنده نسکره بر علمی فکر ایلمک مشغول اولدی
اول کسند عمل و امر ساقط اولور و اول کسند نک لوازمی جند نک اوزره
واجب اولور یعنی هر کسک مالنه شریک اولور و اگر بر کسند اول فکریده مشغول
اولانه کسند بجز بر نشی در بنج ابله اول در بنج ابلین کسند ظالم اولور در لر
زیرا انک علمک نفعی و فکرینک فائده سی جمله نافعدر علم بوننده بهر مند
اولمشدر در بوندر غیر می انک اوزر بنه بر نشه واجب اولور بوقدر نفع کافیدر
در لر **حجت** اهل سنت بود که هر بر کسند که زیاده عالمدر اول کسند حق تعالی

اولقدر زیاد خوف اید بکبر لفظه تعالی انما یخضع لیس من عباده العلماء
 و حضرت رسول علیه السلام بیورر که انا خشیتم من لیس لانی علیکم باسید
 اکبریت اگر عالم و فاضلک عموم اوزره خلفه فائده سی وارد را با آنچه
 بر مسلمانان مالند شریک اولور سبزانک نفقه سی بیت المالند تعیین
 اولنور و دخی امرانند پنجه ساقط اولور نهایت بودر و ارد که علی
 جمله علی کبی دکلدر ترجیح اولنور بود که قال لیس تعالی اهل بنوی الذین
 بعلمون و الذین لا بعلمون برکتک حقه تقری بقدر زیاد اولور عباده
 دخی اولقدر زیاد اولور پنجه تکلیف ساقط اولور اولماز **جبر**
اوله ایلیجی فرقی مذهب حنبلی در و بوط لیسک اعتقادی بودر که
 بونز بانده مال دنیا منکر خلق میباشند نسبتد و اقله حاصل اوله او طوبی کبی
 منکر کرد لایق دکلدر که بر بر بنی نریکنا اوله کسینه منع ایلیه مالک نفعندن بونز
 درر که دنیا حضرت آمدن او خللینه میراث فایده بر بر بنی منع ایلیک
 لایق دکلدر در **رحمت** اهل سنت بودر که حق تعالی بودر که بر بر یکوز و ک
 مالک بطالت اوزره اکل ایلیکوز الا ان یکنونه نجارة عن تراض منکم الا
 بواهل بدعت سوز لبر که بونز سوز اصله بودر زبیرا دنیا جاریه بقوله سید
 ایلیک مکتبک شریکین جاثرو صحنی باطلدر و بودر یکوزی باطل هوادر و شرع
 شریعی را قدر نعوذ بالیس من ذلک **فروع جبری** چونه اوله ایلی اصول جبر
 بیانه اولنوب فروعک دخی اجمال اوزره اسمری ذکر اولنسونه که بدعت
 بونز محضدر لاکر بر طاب علم بر کتابین راست کلور سه قنغی فرقه ایدو

بنوب بوقیه دعای خیر ایدر بونز در که ذکر اولنور افعال معی
 کبی واسطی بمنی علی فدامی فوقی منجیح مسوقی
 مخلوقی ماضی لم یزل نوسین نوری مسوقی بواوین
 الی فرقه مذمب جبری به **محقق باب خامس** بونش بونش باب روافض فرقه
 اصولن بیدور بواصول روافض دخی اوله ایلی فرقه بونز و ک دخی
 تفصیله سبانت ایدر لم انت لیس تعالی مذمب لیسک اسمری بونز در که ذکر
 اولنور کاملی غرابی شیری مفضی باطنی استانی سبانی
 تاسخی منصورى خطای مشامی زیدی و بوجامه شعی
 دخی درر و دخی غیر نامی وارد بر غیر فصلده افاض اولنور
 و بفضله **روافضک اول فرقه** مذمب کلید در و بونز مایع ابو کامل درر
 و بونز در ک اعتقادی بودر که جمله اصحاب کرام بطلانه اوزره اوله لرحا
 ثم حات ندر حضرت ابی بکر بیعت ایدوب حضرت علی به بیعت ایدوب بود
 و حضرت علی پنجه پنجه اصحاب ایله جنک ایتدی درر و جوهر انشی جوهر
 خاک اوزره ترجیح ایلمده سا کرو ابلیس درر که انا خیر منه خلقتم من نار
 و خلفه من طین دیشدر و حق خلافت حضرت علی نکر وراثت دلالت
 خلافت درر و نوری ظلمت اوزرینه ترجیح ایدوب حضرت علی مظهر نور در
 حضرت ابی بکر پنجه مظهر ظلمت در بیدر **رحمت** اهل سنت بودر که اگر خلیفه یعنی
 بعد رسول لیس ابو بکر حضرت علی اولیه ایدی جمله اصحاب انفاق اوزره بیعت
 ایتمز دی و حضرت علی بیعت ایتدی و تفصل انش خاک اوزرینه

غایب صورت بیز او مقدره گناه در زیر آتش نور انبیا اما اشک اثری
 ظلمت در خاندن و حاکم ستم از بی معلوم در که کور بنور و مشا هده اول نور و ظاهر
 خاک ظلمت بنور اما خاک اثری نور در مثل گل و لاله و راجین و شکوفه اظهار
 ایلمکده و کدورتی دفع ایلمکده است همت اول نور و در دخی بود که آتش صفت
 خبا ندر و خاک است بچگونه صفت امانت وارد و در دخی آتش منکبر در خاک
 سنا خضر و دخی آتش سر کشد و خاک بار کشد و دخی آتش نفعی و نور
 کند و به عابد در و خاک نفعی غیر به عابد در زیر حضرت آدم است ایلمکده از زمین
 نزع اول نفعی فتنه ظاهر در کند و لول و لیلی ایلمکده اول نور لار فاما اول بدعت
 ایلمکده علیه السلام حضرت آدم سجده ایلمکده کنی حق او زره در دیو مضر
 بو بخلین بر عتک کفری ظاهر در العیاز با سدر **روافضک ایلمکده فرقه سی**
 مذهب غزالی در بو بد بخت و کنا اعتقادی بود که حق تعالی جبریلی حضرت
 علی به کوندر مش ابری جبریل امین بچگونه حالت غلط ابدی در حضرت
 رسول علیه السلام بچگونه وحی آکاتور دی در لر و دخی در لر که حضرت رسولک
 حضرت علی غایب است همتی وار ابدی ز بر اغراب غراب اخره بگز دیو حاش
 تشبیه ابرو ب بوید بی معنی تر هات سوبلر لرا بچگونه نور و کنا مذهب غزالی بنیلم
 بو نلر و کنا بر دلیل معقولی بو قدر اما زاده سود کفری بچگونه ماطل و لیل
 دو شوب تر هات سوبلر در و پیغمبر علیه السلام بپوشد که با علی همت
 فیک اشان محب مفرط و مبعوض مفرط بپوشد بو فرقه محب مفرط و مغل
 کند و ابن ضلالت و نور سدر در **حجت** اهل سنت بود که قال لست تعالی

قل من کان عدوا لجمیل الی قوله فان لست عدو لکما فرین الایه پس بوندن معلوم
 اولو که انرا کافر و در و کافر کتاب لست قولنج حق تعالی است و شمشیر و حضرت
 علی حضرت رسول علیه السلام ایمان کنور و ب و قول لولوغنه بل بعلیب
 و ز کور حجه اول ایلمکده کتور حضرت علی در بو قدر و ار که حضرت علی اول
 زمانه صبی ابدی و بو فرقیه و سیه دخی در لر اصحاب کرامی بوید زم ابدی
ایلمکده روافضک ایلمکده فرقه سی مذهب شریکی در بو نلر و کنا اعتقادی
 بود که حضرت رسالت علیه السلام بچگونه نبوت حضرت علی ایلمکده شریک
 اوله لر و نمسکنا بیدر لر که رسول علیه السلام حضرت علی به دبردی لیل با علی
 انت منی بمنزله هارونه من موسی بپوردی و حضرت هارونه ایلمکده حضرت موسی
 نبوتده نیجه شریکنا بیه حضرت رسول اکرم ایلمکده حضرت علی دخی بوید شریکدر
 در لر **حجت** اهل سنت بود که حق تعالی حضرت لری قرآن عظیم الی نده بپور لر
 قوله تعالی و لکن رسول الله و خاتم النبیین الایه خاتم نبوتده احر نبوت و بیکدر
 بوید اولنج غیر کنا شریکی نیجه قابلد رمنافی در بو نلر و کنا سوال لری بو نفع نیف
 جوابت فیدر **روافضک در دخی فرقه سی** مذهب مفوضی در بو نلر
 بدعت طریقنا اعتقادی بود که حق تعالی حضرت رسولی خلق ابدی
 و عالمک خلقت و تدبیر نی جمله اکا تفویض ابدی بو عالم و بو عالمده
 هر نه که وار در حضرت رسول را جعدر حق تعالی است بو کنا انا حجابی وار در
 در لر و بو فرقه بیک بعضیسی در لر که حق تعالی بر فرشته خلق ابدی نامی
 بنجابیل در بو طائفه به بنجابلی مذهب دخی در لر انرو کنا اعتقادی بود که

بنجایل جمله خلق کند و به عبادت با بلکه محو تا بلدی ز برحق تعالی
 عبادت احتیاجی بود در لر **حجت** اهل سنت بود که حق تعالی
 بیورر الله خالق کل شیء و الله خلقکم و ما تعلمون و قال الله یوسر
 الخالق الباری المصور الایه و حضرت رسول علیه السلام مخلوق و مخد
 و مخلوق و محدث اولاً مکنتهم خالقیت پنجه منصور در بو مقوله نه
 سو بیوب مذمت نهادیم در لر **افضک التبی فرقه سی** مذمت باطنی در
 بونر و ک اعتقادی بود که امام برحق محمد بن حسن العسکر بدر عابد
 ظهور اینسر کرد و مذکور امام حضرت علیک ان انکبخی اولاد بدر
 مهدی دید و طبری بود در لر و نمازه تشهده التجات برینه بونی او فور لر
 اللهم صل علی محمد المصطفی و علی الرضی و فاطمه الرهری و حدیجه الکبری
 و الحسن الرضی و الحسین المقتول بکر بلا و زین العابدین و محمد بن علی
 و جعفر الکاظم و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی التقی و علی بن محمد التقی
 و الحسن بن علی الرکی و محمد بن الحسن العسکر الامام فی العالم المنظر
 و بو طایفه و افض لواونه درت کسینه به جارده معصوم در لر و او انکبسته
 در و زده امام امام در لر و جمله اصحابه عات حضرت رسول ز سر کافر
 اولدی در لر الا علی و فاطمه و حسن و حسین و عمار و سلمان و ابو ز
 و مقداد و بلال و صهیب خنی کافر اولدی بر عمار ایله سما ندر غیر
 قلمدی در لر و هرگز دنیا امام نه خالی دکدر باطنده در امامت
 بیوسفدر و یا خود ظاهر در کشفدر دنیا حکم اما کدر و ان

عظمتک دکدر ز بر افرا ان کچونه بیان ایدرجی لازمدر امام ایسه انی بیاه
 اینده سببدر اوله اولجه امام فراندن اوله اولدی ز بر افرا ان
 امامه محتاج دکدر و بو امامت ایسه حضرت علی اولادندن غیر
 اولوق جائز و ممکن دکدر در لر **حجت** اهل سنت بود که قال الله تعالی
 یوم ندر عوکل اناس با ما هم ای بجا هم و حضرت رسول علیه السلام
 بیور که اگر بر کس بر جهودی و یا خود بر کافر کوری و دینه که ضعیف
 با صبر با و با اسلام دینا و بمحمد علیه السلام نبیا و بالقران اما ما بو سنوا ل
 اوزره ذکر اولنه الله تعالی اول کسنتک مبالغه ایله تقصیر ان عفو الیه
 امام باطنه تابع اولسدر بو بور ما سندر لر **افضک التبی فرقه سی**
 مذمت ساسی فیدر بو طایفه بو اسحاق مختار بن ابی عبید انبا عبیدر بو طایفه
 قسنده الله تعالی دانا حضرت علی به جلول ایدوب صکره اولاد علی به جلول
 ایلمدی در لر چون علی و اولاد علی افضل خلا بقدر همیت حق تعالی المروک
 صورتنده ظاهر اولور و المروک لسانیل سوبلر و المروک الی الیه طوتار و کلید
 حضرت علی و اولادی عاننا کبر بدر لر امام فخر رازی رحمه الله علیه بیور
 نصیریه و اسحاقیه حلب و شام دیارنده جو قدر بیور لر و بونر و ک اعتقا
 بود که نبوت تاقیامته دکن منقطع اولمدر لر و هر کس که اهل بیت علمه واقف
 و نفس قرانی بلا اول کسنتی در لر و امام برحق محمد بن حنیفه درج در منظر
 کله کدر در لر و بو مختار خلق بسیاری کند و به تابع ایدوب امام سیر حضرت
 انتقامی کچونه خروج ایدوب صکر نبوت محو اسن ایلمدی صعب بن الزبیر بو مختار

حربا بیدی بونلرک غلطی بود که نبوت اولو قدره عبادتند و با خود خبر دارند
عبادتند در لر و امیر المومنین علی رضی الله عنه علیه السلام جلد محمد حنفیه و بردی و نام
وامام حسین رضی الله عنه که طرفه توجیه بود در فتنه خلافتی محمد حنفیه و بردی در
دوخی زنه در در **حجت** اهل سنت بود که بوکار خانه بغلدی و اما را ندره بنامه
اولدی و یکت زبانه عجز و جمله در حق تعالی بونلر منهدر و حضرت علی علیه السلام
ببور که لایق بعدی و دوخی بیور که اصحا سه تراخت استنسر دین اخر
پیغمبران و بنده صکره پیغمبر کلر و اگر حضرت عیسی علیه السلام بونلر در حق
بشم نبعتم اوز در دبو بودی **دافضک** بربنی **فردسی** مدرب سید
بو قوم عبدالمطلب سبانا عیدر و بو بدین حضرت علی علیه السلام عهده ایدی بر کتخت
علیه بربکی با علی انت الاله احو اید و دیو که مزبوری حضرت علی نقی علیه
ایدوب سزایه سوردی و بو طائفه تک اعتقادی بود که حضرت علی و فاطمه
ایندی و مقول اولدی که بر شیطانه حضرت شکله تصور اولدی این بجم اول
شیطانی قتل المدی و حضرت علی جلاله سوره سماه سحابین در رعد حضرت علی تک
اواز بید و برف فجب سیدر و بردی نزول ایسه کر که در و چهارینی عدلیه
مالا مال ایدر در لر و هر فی کور که کورسه علیک السلام با علی در لر و دوخی
بو احمقله بعضی سوز زنده نضر اولد فده حضرت علی منع ایدوب
و ممنوع اولد بربکار بونلری اخذ ایدوب انسه باقدی بنه ممنوع اولوب
بونی کنور در لر که حضرت رسول بونلر قال علیه السلام لا بعد بان رالارها بونلر
نمک ایدوب اعتقاد زنده مصر اولد بل **حجت** اهل سنت بود که علی رضی

عنه سائر ان که کسی برادر محمد شو مخلوق قدر و خلقه مشا بهدر بو جمله منافی
الو هیندر و چون دنیا چر انتقال بوز در لر تک عالمی قسمت ایدر لر و خانو لر بو
غیری ره و بر دیر و اصحابی بوز رضی الله عنهم بونلر اوز زینه ثابت اولددر
بواب حضرت علی تک جاتی منافی در دوخی حضرت علی بونلر ایدوب و کلرینی
جمله بو اما ذب کند و لر که بر عیله ایدر **دافضک** بربنی **فردسی** مدرب سید
بونلر تک اعتقادی بود که چون جان بدنه مفارقت این بر غیر بید نظر
ایدر و دوخی در لر که چون امامت ابو مسلم صاحب فو انه ارشدی روح الاله اولد
حال اولدی و چون ابو مسلم انتقال ایدی اول و ج پاک مفعول نقل ایدر
و بو مفعول هوای الو هینت ایدی و کند و تک کفرینی اظهار ایدی شوق کفر تک
نیچ کسینی غارنا سوال سلبه ایچو کت معبر خطیب اولوب بونلر تک علی سوز
بو ایدر که بیاض لباس ایدر اولان کسینه اول و لابنه مفعول در لر ایدی و بونلر تک
اعتقادی بود که شرب خمر ایلمک و عورت لرینی بر مکانه جمع ایدوب هر بری ریختا
شکار در لر بو اخذ ایلمک بو مقوله شنبه جلاله در لر و دوخی جان بدنه
جدا اولور بر غیر بیدر کلور کسینه تک جانی ابو اوله انکدر لکی ابو اولور اول
کسینه تک جانی بر امر اوله در لکی دوخی بر اخر اولور در لر و اگر عقوبت ایلمک
مراد اولسه اول کسینه تک روحنی خنزیر وجودینه و با خود قورر وجودینه
او حال ایدر لر بو اصرار ایدر لر بو تمسک ایدر که قوله تعالی خلقتکم بافی الارض
جمعاً و قال علیه السلام الصید لمن اخذ الحدیث **حجت** اهل سنت بود که
قال الله قل انما حرم الفواحش ما ظهر منها وما بطن الایه و بونلر ما عدا

محمد شافعه ایت کریم وار در عهد لیسری عباس رضی الله عنهما روایت کرد
حضرت حبیب اکرم صخره حق تعالی حضرت ادمی خلق آنحضرت اول درت بیک پیل
مقدم جانتری خلق ایلدی و جان خلق آنحضرت اول درت بیک پیل بونزوک
رزقنی مضر ایلدی و جانتری بدترینه تعیین پیوردی بوندنصره بوجانگاه
و او جان بوکا کلور دیک محض جمل و غایت حماقت در اللهم احفظ
عن هذا العقاد **و انضبت خطی** و بوطانقا بونصور
علی انبا عیدر بونزوک اعتقادی بود که ماکو لاندن هیچ حرام بود در
و اول محرم که فرانده واقع اول شد از نمراد بود که بر جماعتی دشمن بیک
واجب در در ابو بکر و عمر رضی الله عنهما کبی و فرائض فرانک ناسد کتابه در
بر جماعتی اول جماعتی دوست بیک واجب در جو حضرت علی و فاطمه و حسن
و حسین رضی الله عنهم در لر و مغیره ابن العجل بوقول اوزره در بونزوک
نیچو کفریات سو بماند و در خجی جوای نبوت بماند و مغیره بونزوک در
بعضی بیانه در ربیان بن سماع انبا عیدر و بوبیان نامنده اولان زینب
بن بیان لانس حمر او بنم در ایدی و بونزوک فی اصل دلیلدری بود که
مثلا لاصلوة الا بوضو بونن مراد بود که لفظ صلوة و لفظ محمد
بدورت ح فدر و لفظ وضو و لفظ علی و ح فدر یعنی حضرت رسول
بنونده افر حضرت علی به محبت اوزره او بلیجو درست او طر در **حجت**
اهل سنت بود که ایش فراندر و بونبیل و تغییر نصوص شریفه کند و بیک
فساداتی براندن او توری در و بونک فسادی قتی طاهر در **و انضبت**

۲۲
او بنی فرقه سی مذہب خطابی در و بوطانقا ابو الخطاب لاسدی انبا عیدر
بونزوک در که امام ابیکدر بریسی ناخطر و بری صامتدر ناطق حضرت
رسول علیه السلام وصات حضرت علی در در هر که که امام اوله
البنی بنی اولور در لر فر بونر جوای نبوت ایدوب تکرار جوای الوهیت
ایلدی و حضرت حسنه و حضرت حسین رضی الله عنهما به حاشا در در لر
حتی ابو الخطاب که بونزوک رئیس ایدی انبا عیدر امام جعفر نکر کبی
عبادت و سجده ایدر لر ایدی امام جعفر حضرت نوری بونی کور بیک فر بونر
لعت ایدوب رو ایلدی فر بونر خطب بر بنجیده اولوب دیدیک شمردی لعد
تعالی امام جعفر فر خروج ایدوب بکا حلول ایدی حالابن انزله کامل و سخن
عبادت دیدی بونزوک صلوة ملعونی قتل ایدیلر بوقوم در لر که جسته نمراد
نعیم دنیا در و طامو حمراد الام دنیا در دیوا اعتقاد ایدر لر و بونزوک دوست
حاصل بچو شهادت زوری قتی چوق اختیار ایدر لر **حجت** اهل سنت بود که
بونزوک مذہب بیک بطلانند دلیل کذب صریحی و شهادت رورری
کافی امام اعظم حضرت نونزوک سوال ایدر لر که اهل جوانک شهادتی مقبوله
اولور می دیو جواب پیور و بیک لایق کورم الا الخطاب دیدیلر زرا خطابه
فرقه سی بلانبره شهادتی لایق کور لر و حضرت رسول علیه السلام پیور که
اگر بیکه فتنده شهادت کنش کنش روشن اوله شهادت ایلسون و کل آس
ایلمسون پیور شد بونجلیزید عیدر که جوای نبوت و الوهیت ایدر لر بین
اطرافنده قتی چوق در قال علیه السلام بین بیدی ال عن ثلوثه کنده با

اولم سبله الكذاب واخرهم دجال ودجال كذاب وبعثنا ولو لغتة
يعني دجال اي كذب **روافضكنا** و**برخي فرقه سي** مذهب است مبدع
و بوطانف هاشم بن الحکم و هاشم بن سالم الجواليقي تابعين و بونزو
اعتقادي بود که حق تعالی بچون ما شاهد و نهایت وار در در
و طول و عرض و عمیق در در طولی عرضی کبیر و عرضی عمقی کبیر در
و عرش الله تعالی کس سر بر بر در رو انبیا علیهم السلام او زرینه
معصیت جائز در امام او زرینه معصیت جائز و کله در در حضرت
رسول اسرای بدر حمله کذا کذا فدا اخذ بلمکه ره بی سینه عاصی و مندر
لعنهم الله بونک کبی بجهت سویم در **حجت** اهل سنت بود که قال الله
الله خالق کل شیء و هو علی کل شیء قدیر بلس کشد شیء و هو السميع البصیر
جسم ترکیب هر چهار اند و ترکیب است لوازم حد و ثمره ذات باری است
بونک کبی مثال در متبر در تعالی شانہ عما یقول الظالمون **روافضکنا**
اولم **المنجی فرقه سی** مذهب زیدی در بوجامعت کند و لرین زید بن علی بن
بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم اتباع عنون طو تر و بوزید به زید بن
علی بن حسین حضرت زینک امامت و التي اخلاق حسنة ابله حصلت این
امامت قابل اولمش در التي حصلت بری علم اینجی بهر و او جیحی شیخ
و حضرت فاطمه اولادند با حسنی و با خود حسینی اولم کر کرد در امام
اولان کس نه امر اصدن بر مرض اولم کر کرد در و بونزو اصول لغت
معرفیه موافق در فاما ایامته مخالف در وزید بن علی علی اصل بن

۲۴
اخذ ایش در حضرت علی بن حضرت ابی ابوبکر اید حضرت عمر کنا وزیر بنفضیل
اید مع هذا بوا یکب کنا امامتة قابل اولمش و بوزید بهرت فرقه
و در لر که بر کسنا اولاد علی اوله جیحی امامت انکنا وزیر به واجبر در
و امامت جمعه و عید بن حضرت علی اولادند غیره اید جائز و کله در
و حضرت رسول غایب کند و کده امام علی حضرت زینب و وصی ابدی و امام علی کنا
نسبی ابوبکر حضرت زینک نسبتن قوی رکدر در **حجت** اهل سنت بود که حضرت
رسول علیه السلام صلوة امرته امامت حضرت ابی بکره تخصیص ابدی حضرت
علی بچون وصی بیور و قلری حال حیات و حال سحرری زمانده ابدی و دلیل
وصایت اید امامت جائز اولم و خلافت این نسبت بعلی بود که از نسبت بعلی اولم
اید حضرت عباس اولم کر کرد ابدی زیر عباس حضرت عم کبیر و حضرت
علی است این عم در بوجواب و بر بلور و روافض فرقه سی بود که بیا اولم
بوندرخی جمله بدعوتن بر بر لرینه نقوت اید و هو الرینه مطابق بجه
سوز لر تمکنا اید و ب مذهب اید مشر در **فروع روافض** اصول و افض
اولم یکی فرقه اوزره با اولم بوندر فکره اولم زکفر فرقه که بدعت اختیار بلمکه
روافضه طحدر در لر انمروک دخی اسامی بومحمد نسبت اولم که بوندر
اولدغی بینه علوی امری ناووسی امامی عباسی
رجعی لاعنی منزهی زراری جناحی بنجایی کبیر
فاضله مختاری خشبی منبری نوفلی عالی اسماعلی
نارکی واقفی شیطانی قطبے خربی طبری

اولم سیده الکذاب و آخرهم دجال و دجال کذاب و کذاب اولم لغزه
یعنی دجال ای کذب **روافضک** **اوه** **برنجی** **فرقه** **سی** **منزب** **هت** **میدر**
و بو طائفه هشام بن الحکم و هشام بن سالم الجوالی اتباعیدر و بو نوز
اعتقادی بود که حق تعالی بچونما حاشا حد و نهایت و ارور در لر
و طول و عرض و عمیق در در طولی عرضی کبیر و عرضی عمقی کبیر در لر
و عرش لعل تعالینک سر بر بر در لر و انبیا علیهم السلام اوز زرینه
معصیت جائز در امام اوز زرینه معصیت جائز و کله در لر و حضرت
رسول ساری بدره حاشا که بده اخذ بکنده ربی سینه عاصی و لشکر در لر
لعنم لعل بو نیک کبی بجه نر سوبه **در حجت** اهل سنت بود که قال الله
لعل خالق کل شی و هو علی کل شی قدر لیس کتله شی و هو السمع البصیر
بسم ترکیب هم عبارندر و ترکیب اب لوازم حد و ثمره ذات باری ایه
بو نیک کبی مثال در مندر تعالی شانه عما بقول الظالمون **روافضک**
اوه **برنجی** **فرقه** **سی** **منزب** **زیدی** **در** **بوجاعت** **کنند** **ولر** **بن** **زید** **بن** **علی** **بن** **الحسین**
بن علی بن ابی طالب رضی لعل عنهم اتباعندن طو نزل و بو زید بن زید بن
علی بن حسین حضرت نر نیک امامنه و التي اخلاق حسنه ابله حصلت این نیک
امامنه قابل و لشکر در التي حصلت بری علم اکیچی نهد و او حجی شیخا
و حضرت فاطمه اولادندن با حسنی و با خود حسینی اولم کر کرد در لر و امام
اولان کسینه امر اصدن بر مرض اولم کر کرد در لر و بو نوز اصول نوز
معه لیه موافق در فاما ایامنه مخالفدر و زید بن علی علم و اصل بن علی

اخذ ابله در حضرت علی بن حضرت ابی ابوبکر اید حضرت عمر کث و زرینه نفضیل
ایدر مع هذا بو ایک نیک امامنه قابل و لشکر و بو زید بن زید بن فرقد
و در لر که بر کسینه اولاد علی اوله حجوا ای امامت انکس و زرینه و اجبر در لر
و امامت جمعه و عید بن حضرت علی اولادنده غیر ی بل جائز و کله در لر
و حضرت رسول غایه کند و کده امام علی حضرت زینب و صی ابدی و امام علی نیک
نسبی ابوبکر حضرت نر نیک نسندن قوی رکدر در لر **حجت** اهل سنت بود که حضرت
رسول علیه السلام صلوة امر نه امامتی حضرت ابی بکره نخبص ابدی و حضرت
علی بچونما و صی بیور و فکری حال حیات و حال صحتی زماننده ابدی و دلیل
و صابا اید امامت جائز اولم و خلافتا بنسب نخلق بود که نر نیک نعلنی اوله
ایدی حضرت عباس اولم کر کرد ابدی زیر عباس حضرت عموم کبیر و حضرت
علی ابن عم در د بو جواب و بر بلور و روافض فرقه سی بود که بیانند
بو نوز دخی جمله بدعتندن بر بر زرینه تقویت اید و هو الرینه مطابق نجه
سوز لر نیک اید و ب مذهب اید لشکر **در فروع** **روافض** **جو** **اصول** **روافض**
اوه اکی فرقه اوزره بها اوتوب بو نوز نکره او نوز نکر فرقه که بدعت اختیار بکنده
روافضه مطهر در لر انر و کن دخی سامری بو محله نبتا و لندی که بو فرقه
اولدغی بنه علوی امری ناووسی امامی عباسی
رجعی لاعنی منزب صی ززاری جناحی بنجایی کبینه
فاضله مختاری خشی منبری نونلی غالی اسما علی
نارکی واقفی شیطانی قطعه خونی طباری

مکری واردی سنجی ناصبی بیانی تبری سلیمانی
نصیری مختلف عارفی ناخیری سویدی مغیری
و بوا و تونز سکر فرقه ماعدا آنچه کسند بورد و افض فرقه سنی مطلقه در
بوسفدار اید اکتفا اولندی و لندی فط **باب سوس** بوالنجی با بر و افضو
تفصیل اید و شرح اید که نکره فرقه حوارجی او یکی اصول و زوینا
اید و بعون لید تعالی اهل سنت و جماعت طرفین ممکن اولد و غنی مقداری
جواب دخی و بر بورد و بوا و اید یکی او اصول خوارجک مذاهلر نکند اسم
اجمال اوزره بیانه اولنور که بونلدر محکم از رفی اباضی حرنی
خلق قدری کنزی شراخی اخنسی سیمونی شبانی
صلتی بونلدر که ذکر اولندی بوند نکره تفصیل اید و بیانه اولنور
ان شالسد تعالی **خوارجک اول فرقه سی** مذهب محکم در بونلدر و ان عفا
بود که حضرت علی و حضرت عثمان و طلحه و زبیر و عایشه و معاویه رضی
عنهم حاشا بونلدر بچون کافر در در و بولوب کبارک عسکری دخی تکفیر ایدر
و بونلدرک مذهب بود که حکم ایلک اسد خیر غیری به لایق دگر در اول
تاریخه حضرت علی طرفند بر ادم واردی بشکر نام دبار خیر حضرت
علی ابو موسی اشعری حکم ایدری بوشکر نام و بار خیر بچون اولان کسند
انده سوار اولوب حضرت علی عسکر نزه جفوب و معاویه و بچون دخی
بیزلر اولوب کنندی زیرا حکم ایلک اندر ک فتنده موجب تکفیر
اولور در و بوقوم اول فرقه در که لید تعالی حضرت لری بیور که

ان حکم الالسد در بر احوال غیر یعنی الالسد غیر کسند حکم ایلک نکرکی
مشعور و شرکی متضمن اولور در **رحمت** اهل سنت بود که قال لید
وان ختم شفاق بینهما فابعدوا حکما من اهلهم و حکما من اهلها الاله اگر کسند
اصحابه برینه حاشا لایق کلمات اید بر اندر بر بوز خصوصاً خلفا را
اوله العیاذ بالله تعالی **خوارجک ایلنجی فرقه سی** مذهب از رفی در و بولوب
ضلالت طریق تابع ابی راشد نافع بن الارز قدر عبد لید بن عباس حضرت لری
فر بوری الزام اید و بیانن فرار اید و ب و اید و اید کندی بد غلبرین
اظهار ایدری وینه انده جان بر جهنم اولدی بونلدر ک عفا وی بود که
حضرت علی و حضرت عثمان حفته حاشا کافر در در و مذهب سینه فاضا اولان
کسند نکند داری دار کفر در و دار کفر اولان کسند کافر در در و حاشا لایق
اطالی اهل نار و فکری حلالدر و زانی و رانیه رجمه انکار اید و مصر
و محصنه قذف ایدر حد لازم و محصن اولنور قذف ایدر حد لازم اولنور
و قذیل کسند برینه سرف ایدر کسند به قطع بد لازم اولور در در و حجاج بونلدر
از رفی مذهبند ایدری و حضرت علی به لایق سوبلر ایدری و عبد الرحمن ابن
بلجم شقی بچون حاشا و ثنا ایدردی و حد ایجاب ایدر نص شریف محصنه
قذف ایدر بچون غیر دکلدر و ابو الامر اطاعت مطلقه در در **رحمت**
اهل سنت بود که لاطاعت للمخلوق قدر کور غمی سن که عدد در کتات صلو
دار کان حج و مفادیر زکوة بوجده خبر رسول اکرم ایدر ثابت اولندر
نص شریف ایدر و کدر و حق تعالی بیور که لقدر ضعی لید عن المؤمنین

اذیبا بعونک تحت الشجره الابه حضرت علی اندر دند و حضرت رسول اکرم
بپوشد که ان الحسن و حسین سیدان اهل الجنة ابوهم اخیر منهما الحدیث
و حضرت علی بن کسند ابن بلخ زبانه بد بختد قال علیه السلام ان اشقی
الاولین و الاخرین عاقرة فاصالح و ان اشقی الاشبیا من یخصب هذا
بهذا الحدیث بولد دیوب حضرت علی بنک مبارک صفا لدریه اشارت
بپور دیوب **خواجه جیحی فرقی** مذہب باضی در بونلر عبدلسدین اباضی
و الحادث الاباضی اتباعیدر قادم بونلر و ک حقه بیور شد که الاباضیه
مخوس نزع الامة و بونلر بونلر و زربنه در که حات نکاح مارد و حادث
جائز اوله و دخی در که بزکافرون سو منی حقیقت ابد بزم ز در در و صاحب
کبیره کافر در در و حق تعالی بپور که و لیس علم المفسد من المصلح الابه و ایت
شریفه که تکفیری موجب اصحاب کبیره بچوندر در **حجت** اهل سنت بود که
قال لیس حمت علیکم امهاتکم و بناتکم و احوالکم الابه و شول ابانک اصحاب
کبیرت یا منی موجب در بود در قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اتقوا
الصلاة و انتم سکارا و توبوا الی الله جمیعا ایها المؤمنون بونزه شرع شریفک
حکمی ظاهر او زربنه در قال لیس یا ایها الذین امنوا اذا جاءکم المؤمنات
مهاجرات فاستحوا من الله علم باجانهن الابه بونک حکمی دخی ظاهر فرقی
و امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه بپور که ان الله علی الناس ما یضرونه و للناس
علی الله ما یظرونه بزم بچون طهری لازم **خواجه جیحی فرقی**
مذہب حمز و بیدر و بوحزه ابن در کت الحار جیدر و عز بوحزه بارون الرشید

خلافتند خراسانده خروج ابدوب جوق فدا و المتمد صکر خراسان علی
اولان عبسی بن علی بونلر و ک جمعیتی بریشان ابدوب و افر کسند برین قتل
ابدوب آخر عبسی منبرم اولوب کابل و ارب حمزه کرمانده پروا دیده غرق
اولمدر بونک تباعی حمزه وی در مکه معروف اولمدر و حمزه فدره قابل اولمدر
بوسیدنه ازاره تکفیر بپشرد و اطفال مشکر ناره در دبدو کبیره قدره تکفیر
المتمدر بونلر و متمدر بنک عنایمینی حلال کور مر لریکه و متمدرن حاصل اولان
عنایم جملہ سنی اصراف ابدلر و بونلر و ک اعتقاد وی بود که اگر بر کسند حق تعالی
حضرت بنک جملہ اسمن بلجیه انک توحید در ستا و مژد بکسند که حضرت رسولک نام
شریف برنی و اجداد بنک اسمنی بلجیه عبد مناف و اربچ اول کسند بنک باجانی صحیح اولمدر
و بوعقلک حق تعالی بلجیه سبب حیرتدن غیری دکلد در **حجت** اهل سنت بود که
حق تعالی بپور قوله تعالی و ما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحی الیه لانه
الا انا فاعبدوه الابه چون امر در تقاضا ابدر که ممکن اولمدر حق تعالی بنک نام شریف
تفصیل او زره بلک توحید در حاجت دکلد و لکن جملہ صفات و اسماء و اسما و انبیاء
ایمانه کتورک صحت اعتقاد و ایماندر انکله مومنه راه راست حاصل اولور
خواجه جیحی فرقی مذہب خلفیدر بونلر و ک اعتقاد وی بود که
جملہ اصحاب حضرت ابی بکر کت خلف ابدوب حضرت رسولک انتقالی زمانده رو
کردان اولدی در لر و دخی کافر اولدی در لر شدی که ارضه و عورتدن
بر کسند عزایه کتیمه کافر اولور در لر و دخی خلیفہ حضرت رسولک نام بیدر توبه
تخلفا بنک ترک فرمان خدا در و رسولدر در لر و حضرت بپور شد که

بند نکره هر کلمه اجتهاد اید اول کلمه صوابه نائل اولور و بدتر
اهل سنت بود که اگر صکره یعنی بیعت ابله و کدر نکره مخالفت ابله کفر لازم
کلوب اول بول ابله جنگ اید روی بتدی بعض کلمه مخالفت اوزره
اولد قده حضرت ابی بکر الصدیق بیورن در که اقله هم نفسی یعنی بولر شری
دفع ابله بز و اهل عیال کفایت اید بیورن در حضرت رسول مانده براد
حضرت کلوب ویدی که بن غایه کیدرم حضرت بیوردی که باباک و انانک
و ارمی بلی ویدی حضرت بیوردی که خستود اید کسکو بز انورک خاطر بن کینک
غایه اید و بیوردی **حواجک التبی فرقی** مذہب قدر بدر بطایفه
اعتقادی بود که ارض اوزرینه بول ابله لابق و جائز دکدر در لر و بول
جمله قدر اچینه یعنی بر داق اچینه بول اید لر اچینه بولنره قدری وید لر و بول
صدت ظاهر اوله ارض اوزرینه قومازل صوبه اتر بول اهل بدعت کونک عسکی
بود که قال الله جعلت لی الارض مسجد و مطهرا بوندن کسکو اوتوری بز
اوزرینه بول ابله و حدیث بیجا اولور در لر و دخی بیچونک کبی سندی
احتیاط بوندن یعنی مذہب لرینه رعایت اختیار اید لر و بری دخی بود که
اوسخانیه طولری ابله وارمازلر و اگر ضروری لازم کلوب ساده صودر که
طولرین بولر و نماز مانده طولرین جبار و پشیمان بغلوب نمازی انگله
اوا اید لر **حجت** اهل سنت بود که حق تعالی بیورر و بضع عنهم اصرهم
والاغلال الی کانت علیهم الاله حضرت رسول اگر یک نوع نیرینی بوجوبی
یعنی بوجوب سنه اوزرینه فایده رسوله است اهل سنت زبیر احمد است محمد

حضرت بوانه کلینج نمازی طولن اید فکند در و حضرت علیه السلام کنور
ارض اوزرینه اوتوب و صحبت دخی ابله در بوندن معلوم اولدیکه
بولر و کت بهوم سوزرینک اصلی بود **حواجک التبی فرقی**
مذہب کتزی در و فرقیبتک اعتقادی بود که فی زمانه بر کت مالک
زکاتی و بر یک مؤمن بود در لر حقیقت بز مؤمنی کافر بی فرق اید مزیز
در لر بز نافع اولان بود که زکاة مالنی بدفون اید و حق تعالی بر سخفنه
ارشد در زبیر ارض ایدر مانده خیانیت اید در لر بوقوم بداصله انجمن کتزی
در لر بولر در که بیان اولندی و دخی در لر که بز اچینه حقیقت اید کتیک
ایمانی معلوم دکدر در لر **حجت** اهل سنت بود که قوله تعالی انما الصدقات
للفقراء و المساکین و ابن سبیل الایه لوبله اولنج صدقه فقرا اچینه اولد و
معلوم مساکین و بر یک است کریمه ابله نابندر و انوال الزکوة امری ابله
و بر کت بیوردی دفن ابله دیکت مذہب لازم کلور بونکره و جواب اید لر
حواجک التبی فرقی مذہب شمر حیدر بوط ایضه اچینه شمر اخی در لر
شمر اخی خرمه فدائره در لر حضرت ابوب کفارت بمین اچینه خاتونه بر حله
اور دیکه یوزدانه شمر اخی ایدی یعنی اچینه فدائره بولر دخی در لر که عوام
مسال ربجان در لر هر کس انی فو فوق بر و ادر در لر بونکرک اعتقادی بود
و جد حالنده حاتونکرک خلوت ایتکک لایقدر در لر یعنی بر کتیک حق اید
دوستی محکم اوله اراضه مواخذة فالقار و امر و نهی ساقط اولور بز
مواخذة عالم فهدر و بوجاعت اسما ابله اهل اهل اهل فهدر در لر

حجت اهل سنت بود که قال الله والذین هم لفرجهم حافظون الاعلی
از واجهم او ما ملکت ایمانهم الایه واکرام ونهی و مواخذة تقرب الیهم
ساقط اوله ابدی لابق اولان بوابدی که حضرت رسول اگر سمن ساقط اوله
اولدی بلکه نه تقرب بود که هر قدر بحسن اولور سمر ونهی و مواخذة و خوف
و خشیت اولقدر زیاده اولور **خوارجک** **فرقی** مذہب خنسی
و بونزه معبدی دخی در لر زب را خوار جده بو خنسی و معبد کی کسند در ثعلب بن
و عبد الکرم بن عجم در انا عند مذربو طایفه تک اعتقادی بود که ثواب عتق
انسان حال حیانتده اولور اما و فائده نکره صدق و نه دعا بیج فائده و بر
قوله تعالی لیس للانسان الا ما سعی ولا ترزوا زرة و زراخری الایه اگر کسند
بر کسند تک و فائده نکره خیر ایچکه فادرا اوله ایدی ایمان کتور که دخی قادر
اولور دی اولچر چون اصلده خیر اولما نیچر فرعه نیچر اولور ایمانه خود اصلده
در لر و دخی در لر که دار تقیه یعنی دار خوفده اولان اولای کسند ایچونه ایمان
وار ایدو کن بد و زانی سوز و اول منجه کفر وار درانی بد و زبانه بزر
و بر کسند تک قتله مباحست ایچک جائز دکدر دیدو کی جلد نه تعالی خنسنه
بری اولوب کسند و لر جمع ایدو کی ایچونه خنسی دیو لقب فو دبلر و بونزه معبد
نامنده بر فرقه دخی واردر بونزه عبید و بهایمدن زکوة المفقده تعالی حاجت
ایلیوب بر بر لرین کفیر بمتدر **حجت** اهل سنت بود که حضرت حبیب اکرم
علیه السلام بپور که عمل ابن ادم بقطع بالموت الا الثلث و دخی بپور
الذال علی الخیر کفاعد و الذال علی الشر کفاعد بونزه جواسنا فیدر

و ابن عباس رضی الله عندهم بپور که بر کسند خلق مباحنه ابوانا را ایله و بونزه
بر امر انار ایله تک مثلی بود که قال الله و کتب ما قدموا و انار هم و قال
بنو الانان بونزه بجا قدم و اخر و قال الله علمت نفس ما قدمت
و اخرت بونزه رد جواب و نور **خوارجک** **فرقی** مذہب
سیمیونی در و بومیمون و توابعی عبد الکرم ابن عجم در و منفرد اولدر
و بونزه کساعتقادی رادت و مشیت و قدری اعتقادی کبیر
و سیمیونی فرقه سنک مذہبند کسند و لره مخالفت ایدو کسند تک
مالی حلال دکدر ما و امکه حاکم طرفین قتل اولنیمه بونزه فرزند فرزند
و اولدک تک فرزند و با بار بک اناسنی و اناسنک اناسنی کسند
المق جائز و بونک حقه نص شریف بو قدر و بدیلر و سور بوسف
فائده دکدر در لر و خلافته فادرا اولای اولور کرک فریسی اولسونه
کرک غیری اولسونه در لر و دخی در لر که بر منابع نص شریف می لغت بونزه
و شیخیه تابع اولق بزوم اوز ریزه واجب در لر **حجت** اهل سنت بود که
القدریه مجوس بنی الامه و حضرت علیه السلام الامه من قریش و دخی
القدر خیره و شره من لیسد ما لیسکان و عالم بشام کین دیو بپور شد
بونزه بواهل بدعتک تمسک برنی رد ایدو **خوارجک** **فرقی** مذہب
مذہب شبانیدر بونزه تابع شبانی ابن سید اشجار جیدر و بوشیمان ابوم
خراسانی زمانند خارج اولوب خلفاء عباسیه ابو سلم طرفده بونزه
تعالیه بوندن بری اولشدر و بوشیمان قول شبیهی اظهار ایدو کسند

اولیدر بونلر و ک اعتقادی بود که عورتی که خلیفه و ملق لایق در در
وامام اوزرینه خروج ایکنک جائز در در و بزید ابن ابی نسیه بوجله ذنر
بوابی نسیه در که حق تعالی عجزه رسول کوندور و شریعت محمدی خاسنک
ایدرد بوقول جوجه ذاهب اولمشدر **حجت** اهل سنت بود که قال لیس
و فرنی بونکن عورتک خلیفه اولمغه لیا قنی بوق ایدر کنه بونص نسیه
کافیدر و رسول علیه السلام بپور که سلطان اوزرینه خروج ایدر که
عادل اولورسه ثوابانرا بچوندور و اگر جبار اولورسه ثواب صبر سرتک بچوند
بیوشدر و بونلر بوابت کرمه بیکر اولوب عجزه بچم بکورد در قول تعالی و کنه
رسول لیس و خاتم النبیین **الایه خوارجک اوزر اکتیجی فرقه سی مذنب صلیب بونلر**
عثمان بن ابی الصلت نابعیدر بونلر عجزه بونلر لیس در بونلر در که سلمه اول
مکنه بز سوزر کن اظلال لیس بونلر در زبر اظلال بالغ اولمشدر سی اوزر
در لرا بچوند نابع مکنه نیک نکاحی صحیح دکدر در لرو دخی اظلالک مویانه
نماز قلم لیس نماز دکدر دپوز بر اسلام بچوند عقل تمام و رشد لایق
بونلر قبل البلوغ او طر و محکم دکدر در لرا **حجت** اهل سنت بود که اظلال قبل
البلوغ نابع پدرا در در اسلامه و اول سنه که امام اعظم رحمه الله علیه
توقف ایلدی جواب اظلالده اول ابه امور اخرت ایلدی بوکا دلیل بود که
کل مولود یولد علی فطره الاسلام ثم ابواه یحسونه و یهودانه
حاصل کلام خوارج مذموم کن حضرت عثمان و حضرت علی و طلحه و زبیر
و معاویه رضوان الله علیهم اجمعین حقه افادیل باطلدی بیوم و باوه

و حضرت رسول علیه السلام بپور مشرکه اصحابی کالجوم باهم اقتدینم اینیم
ودخی بپور که انقوا الله فی اصحابی ولا تتخذوهم من بعدی عرضت من جنتم
فیجی اجنتهم و من بغضهم فبغضی بغضهم الحدیث بونلر صکره اصحاب
کرامه بونلر غیری حاشا ناسرا کلمات نیجه قابلدر اندر دایره اسلامه اولیه
خوارجک اون ایکی اصول مذهب لری بومحده تمام اولدی **فروع خوارج**
خارجی مذهبک فروعی در که اون ایکی اصله ملحقدر بونلر دخی اونوز
ایکی فرقه در مذهب لریک فروعی در که اون ایکی اصله ملحقدر بونلر ایسه
بونزه اجمال اوزر بیان اولنور و بونلر در که ذکر اولنور حوری
نعلی حارمی علمونی ناصبی عجمادی حفصه معبد
بزیدی فاعدی راجعی صالحی ابرهیمی طهلی جهلی
کبانی ربجانی افلامی محکم فاسطی حسابی میزانی
صراطی شفاعنی داخلی مهاجری سارنی صلونی خوج
سناقنی مقصری یهودی بونلر در که ذکر اولندی و بالاضحه بومحله
کلنجه نیش ایکی مذهب که اصول فرق اتصاله در عالی قدر الامکان بیان
اولندی و بلایضه و اهل سنت طرفند هر رینه جواب ویر بوب تفصیل
اولمشدر و بوسالیه مطالع ایدر مکنه تک معلومی اولسونکه نقدر
دقت و اتهام اولمشدر بوسلوب اوزر صورت بونلر بونلر صکر
اهل سنت و جماعت عقیدسی بیان اولنور ان شاء الله تعالی **سابع**
اهل سنت و جماعت اعتقادی بیاننده در و بونلر بچون حضرت رسول

بنمشی او چندی فرود بود پور مشد و بود فرقه جمیله نیک است اعتقاد داری فرقی
 ضاله عقیده زندان بریدر بونزدی اصولی البدر بولدر که ذکر اول نور
 امام ابو حنیفه امام شافعی امام مالکی امام حنبل سفیانی ثوری بوطائف
 اول فرقه جلیله در که حضرت سرور انبیا علیه السلام بولدر که حضرت پور مشد
 هم الزین علی ما انا علیه واصحابی الحریث بوطائف عابد اسلام بر در فرقه
 عملیاتن التي فرقه اول مشد در که کتب کلامیه او ان یکیدر فاما بین الناس
 فی زماننا مشهور اولان بوالتی فرقه در که بواون مسله متفق علیه در لر
بری بود که معراج در مذمب اهل سنت بود که کچچ پنجه از زمانه بیدار
 ایکن معراج ایلدی جبریل کلوب براق وزرینه سوار ایدر و با بندایت المقدسه
 وار و بارواح انبیا امام اولوب ایکی کعت نماز قلوب اندر سدرج المنزه
 عروج ایدر و با اندن مرکب قدرت که فرقه وزرینه سوار اولوب قلوب
 فرقه و اصل اولدی حق تعالی نیک فرقه بوسنوال وزره بقین اولدی حضرت
 حضرت زنده غیری دم او غلنگ برینه نصیب اولما مشد بود دلیل ایدر که
 قال الله سبحانه الذي سري بعبد له ليل الاية بونده معترتي وخواجه وروا
 بعضی زه مخالفت ایدر و با انکار ایدر لر و حضرت رسول اچونه ایکی سنه مخصوص
 عمره دکدر دنبا بوسنوال وزره معراج واخر نده عموم وزره شفقت
 معترتله بوایکه بده منکر در **ایکینچی بود که** عذاب قبر و منکر و نکیر اهل سنت فتنه
 بوایکه حضرت امام معترتله و خواجه بوکه دخی منکر لر در برزم دلیل بودر که
 قوله تعالى في حق ال فرعون النار بعرضونه عليها غدوا وعشيا وبوم

نفوس الساعة الابه وقال الله في حق قوم نوح عليه السلام اغرقوا فادخلوا
 ناراً وقال الله يقضم من العذاب الاذني حون العذاب الاكبر الابه عذآ
 اذني بونن عذاب قبر در پور مشد بعضی کسینه پور مشد که بعد الوفا
 روح بنه بدنه واصل اولور و بعضیلر جسک مقابله سنده طور
 و بعضیلر دیمشدر که عذاب نفس او زرینه اولور دیمشدر اولی بودر که انک
 کیفیت مشغول و لمب وز تو من بحقیقه ولا تشغل بکفیفه **او چینی بودر که**
 حوض کوثر مذمب اهل سنت عفا بنده حقدر قیامت کوننده ظاهر اولور
 فرقی باقوننده زبرجدن و در و مرجان اول حوضک اجمعه دو کلمه اوله
 وانک صوبی آب حیوان اوله اصحاب عالمقدار اول حوضک اطرافنده
 طور لر رضی الله عنهم خیر صحیح ایدنابت اولمشدر و بوکا منکر اولمشدر جمله خوارجد
 وروا فصدن بر فرقه دخی بوکا انکار ایدر لر **دوینچی بودر که** میزان دخی حقدر خواجه
 وروا فصد معترتله بوکا دخی منکر لر در و معتزله در که میزان عدله نهارتدر و بعض
 معتزله ناسخ افعاله ذاهب اولمشدر معنی ناسخ بودر که چون بقول طاعت ایدر
 تکرار کاه ایدر ساو ایدر کی طاعت محو اولور چون معصیت ایدر ناسخ طاعت ایدر
 معصیت طاعت محو ایدر خاتم سی اگر طاعت وزره اولور نه ناجی اولور و اگر معصیت
 او زره اولور نه معذب اولور چون طاعت و معصیت بوقول او زبر برابر اوله
 نزار و به اجتناب بودر لر اما اهل سنت مذمبده روز قیامت میزان ظاهر اولور
 ایکی کفاله هر کفله سی نجه زمین و آسمان قدر اوله خبر رسول ایدنابت اولمشدر و
 واردر که اعمال نجه میزان کبر و در بو بعضی کسینه میزان انان کبر دیمشدر

و بعضی در مندر که اول سنه که موز و ندر صدق و زکوة و دم شهادت علم علی
بوتزوت عینی کر و اول سنه که موز و ندر صوم و صلوة کبی حق تعالی در
صورت موز و ندر قیوب و ندر ایلیم بزه لازم اولان بود که میزان حفته نص شریف
وارد اولندر افرار ایدر و اختلافه مقید اولیمه و **بسی بود که** صراطدر
جهنم و خواج و بعضی معتزله بوکا دخی منکر در اهل سنت قنده صراط حقد
جهنم اوزرنده در اگر مؤمن اگر منافق اگر عاصی جمله اوزرنده بکوب کلمک حقد
مؤمنان اولور و سعنا وزه کورینور و منافق و ظالم اولنره قلده اینجه
و فلیجده کسیر کورینور عملنه کور دنیا به منالی شرح شریف در غایت اوزره
اولنه اساء اولور و شرح شریفه مخالف اولنره قبله اینجه و فلیجده کسیر
التبی بود که اهل سنت قنده جنت و جهنم الان مخلوقدر اهل جنت جنده و اهل جهنم
جهنمه در اما معتزله در که مخلوق دکدر اولان مان خلق اولنوره اهل جنت
و اگر اهل نار در سوال اولنور اندر نکره جنت و جهنم خلق اولنور اهل جنت
و اهل جهنم جهنم کیدر در **جواب اهل سنت** قوله تعالی و جنة عرضها السموات
والارض اعدت للمؤمنين وقوله تعالی و اتقوا النار التي اعدت للكافرين
وقال الله يا ادم اسكن انت وزوجك الجنة بونكلمة و جواب اولنور
بسی بود که اهل سنت مخالفی اولنور جنت و جهنم ایچون فانی اولور در کافه
عمری مقداری عذاب اولور و مؤمنه عمری قدر ثواب اولور اندر نکره
ایکسی بله فانی اولور در **جواب اهل سنت** قوله تعالی اولنور صحت الجنة هم
فیها خالدون و اولنور صحت النار هم فیها خالدون و اکلها دائم و ظلها

و بعضی معتزله بوکا دخی منکر در اهل سنت قنده صراط حقد

لا مقطوعه ولا ممنوعة و قال الله لا یخفف عنهم العذاب کلما نضجت جلودهم بناسم
جلود غیر بالایه **سکری بود که** اهل سنت بوکلمه اوزرنده که اول سنه فانی اولنور یعنی حق تعالی
بوکلمه کبفاسنی کنو و بقاسیده بقا ایدر بر بسی جنت و بری جهنم دکند و لیه اولنور ایدر
بلج و دخی عرش و کرسی در و شیخی لوعدر و التبی قلمدر و بیخی رایجدر و سکری بود
و طویز بی آیدر و اونچی موادر اهل سنت مذمبنده بو اولنور نشیه فاعراض اولنور
تبی بود که موادر اولنور الذلیل خلاف مذمبنده جسم دکدر کنه کبفدر و لطفه
و جسم مکانی دخی دکدر اگر جسم اولسه ابدی ایچون بر مکان اولنور کدر بو قدر
و بعضی در مندر که موادر جسم دکدر رو ذات دکدر و شی دکدر و مخلوق دکدر
و مواده نفع و ضرر بو قدر در فاما اهل سنت در که موادر رقیق ذاتر و بولطف
جسمدر و شیدر و موجود و مخلوق و محدود و موالچو نفع و ضرر وارد
قوله تعالی خلق السموات والایه زیر احوق تعالی شهر لک مؤمن مختلف خلق
ایمدر بعضی شهر لک مواسنده علت و امراض خلق ایلمدر و بعضی مواسنده
صحت خلق ایلمدر بو نفع و ضرر هو انک جملنده در در **اوتی بود که** روحدر
بو ایچون بعضی کسجه جسمدر در بو مذنب تر سادر و بعضی فلاسفه در و بعضی
کسجه هر در لر و بعضی عرضدر لر و بعضی کسجه روح ایچون قدر بدر در لر چون
حق تعالی روح ایچون بر سنه بیاه ایتمیو بو یله بیور مشدر قوله تعالی قل الروح
من امر ربی الایه بزه لازم اولانه بود که احضار ایدر و اولی دکدر که روح ایچون
کیفیت اولیمه وارد در فاما عقل انسانی فاعطاه ایدر و بر بو عقل ایدر روح
ایچون کیفیت بیان ایلمک قابل دکدر **کالیفت** اهل سنت اعتقادی بوکلمه اوزرنده

انما يريدك ولي وكامل وشارف ومنتهد وصب نجلي اوله هرگز بر تبه و ارمانه
 تكليف اندن ساقط اوله مكر اوله زان ساقط اوله كه عطف زابل اوله و با خود
 جنون غلبه بلبه و با خود جذب غلبه بلبه بوليد و لنجه قلم تكليف انون مرتفع اوله
 و اگر بوليد اوله ساقط اوله و اگر بر كنه بونك غيري اعتقاد ايد رسكافرو محمد
 و زنديقدر و جميع امور شرعيه فقها و علمای ظاهري و محدثين و متكلمين
 بپوشيد و در انده غيري بر حكم اخر بوقدر و جميع اولياء و علمای عوام و پادشاه
 و كرام احكام امور شرعيه متساوي لا قدام در اوله و كلكه نسبت به بعضيه واجب
 اوله و بعضيه واجب اوله مندرج است عليه كمي و كلكه برابر در **خاتمه** بوقاضيه
 نجي بريجه قواله بدرج بوند زباده بدعت و كفر بوقدر كه نص شرع بلبه
 ثابت اوله ان شنه انكار ايد له معتزله نك خوار بكن اهل هوا سي هوايي تابع
 اولوب بوقاضيه انكار ايد ر حق تعالى علم صفتي انكار ايد بزرگ بوند
 قوله تعالى انزل بعلمه وقال السدر انزل بعلم لسدر حق تعالى بك قوت و قدر
 منكر اوله بوند **جواب** قال السدر اوله برو ان السدر الذي خلقهم هو الله
 قوة وقال السدر ذو القوة المنين وقال فقدنا فخر القادر و قوله وقال بلي
 قادرين على ان نسوي بنانه منكر غرت اوله بوند **جواب** قال السدر و الله العزة
 و لرسوله و للمؤمنين منكر رؤيت اوله بوند **جواب** اتني معكما اسمع و اري
 وقال السدر لم يعلم بان السدر يرى منكر صنعت ارادت اوله بوند **جواب**
 فعال لما يريد وقال السدر يفعل ما يشاء و يريد بكم البسر و لا يريد بكم العسر وقال
 ان السدر بكم ما يريد وقال السدر بلسان نجف عنكم منكر و يد ارجو اوله بوند

42
 182
 بوند **جواب** و جوه بوند ماضيه الى بها ناطره وقال السدر بختهم يوم يقفونه سلام
 وقال السدر اني انظر اليك وقال لك انظر الى الجبل فان استقر مكانه فسوف اتي
 منكر رضا اوله بوند **جواب** قال السدر رضي عنهم و رضو عنه قال السدر رضي السدر عن المؤمنين
 منكر صنعت مجتهد اوله بوند **جواب** قال السدر بجهنم و بجهنم كراما كاتين منكر اوله بوند
 بوند **جواب** قال السدر ان عليكم كما فطين كراما كاتين وقال السدر ما يلقظ من قول
 الاله رقيب عند منكر صنعت اوله بوند **جواب** قال السدر من الذي شفيع عنده
 الاله بوند وقال السدر ولا يشفعون الا لمن رضى منكر عذابا و بوند **جواب**
 قال السدر و لن يقض من العذاب الا من ادنى ذرره العذاب الا كبر وقال السدر انما يرجع صوت
 عليها عند و اعني سؤال منكر و تكيري انكار ايد بزرگ بوند **جواب** قال السدر
 الذين امنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الآخرة الاية عرش و كرسي في انكار
 ايد بزرگ بوند **جواب** قال السدر ذو العرش المجيد و جعل عرش بك فوهم بوند ثمانية
 و سبع كرسية السموات و الارض الا بجنة و جهنم مخلوق و كلكه و بوند بوند
 قال السدر سكن انت و زوجك الجنة وقال السدر عند ما جنت الماوى و جنة عرضها
 السموات و الارض انا عندنا لظالمين نار الا يا شوق تعالى عبدك فعلمني
 خالق و كلكه و بوند **جواب** قال السدر و الله خلقكم و ما تعلمونه لسدر خالق كل شئ
 خلق السموات و الارض و ما بينهما الاية افعال عباد و لتعلمنك مشيتي ايد بوند
 و بوند **جواب** قال السدر و ما انت و ان الاله ان السدر و قال السدر و لو شاء ربك
 لا يترككم في الارض قال لك لا تهدي في احببت و لكن السدر هدي في بناء الاية لسدر خالق
 منكر اوله بوند **جواب** قال السدر ان كل شئ خلقناه بقدر خلق كل شئ فقدره بقدر افضنا

فمنهم القادرون منكم يا من قاسم الجوه **جواب** قال السيد يا ايها الذين آمنوا اتقوا الصلوة
وانتم سكارا يا ايها الذين آمنوا لا تأكلوا الربا اضعافا مضاعفة يا ايها الذين آمنوا
توبوا الى الله جميعا ايها المؤمنون ثم اورتنا الكتاب الذين امضوا من عبادنا فمنهم ظالم
لنفسه منك عراج رسول ولان الجوه **جواب** قال السيد سبحان الذي سراج عبده ليل من المسجد
الحرام الى المسجد الاقصى بعد راحة ايات رب الكبرى فكان قاب قوسين او ادنى
منكم ميزان الجوه **جواب** قال السيد ونضع الموازين القسط ليوم القيمة واما ^{نقلت}
موازينه فهو في عتب راضية واما من خفت موازينه فانه يا ويه يا وشاه او زينة
خروج جائز من الجوه **جواب** اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولوا الامر منكم وقول
عليه السلام اسمعوا واطيعوا ولو امر عليكم عبد حبشي الا جبر الحوث بورس

بونه تمام اولوب حضرت رسول اكرمك حديث

شريفى فانه اولدى و بورس ليه جوق

اهتمام اولتم در اهل انصاف

اولاه مطاعه باليد

اميد كه خيره

يا دايه

تم كرم الله ورسوله على الفصحة المصنوعه من الصدر الشريف
احسن الله ولو الله وجميع المومنين والمومنين
المسكين المسكين وتمامه والقدره من الله